



## پولیس در خدمت طالبان

پولیس مسوول استخبارات طالبان را برای تداوی به کابل انتقال می‌داد

۶ صفحه

«پر تورخم به دروازه جوهری»  
که برید وشي خواب ورکوو»

۶ صفحه

طالبان مشغول جمع آوری  
عشر و ذکات در کندز هستند

۳ صفحه

تفاهم‌نامه انتقال

برق از دوشی تا بامیان امضا شد

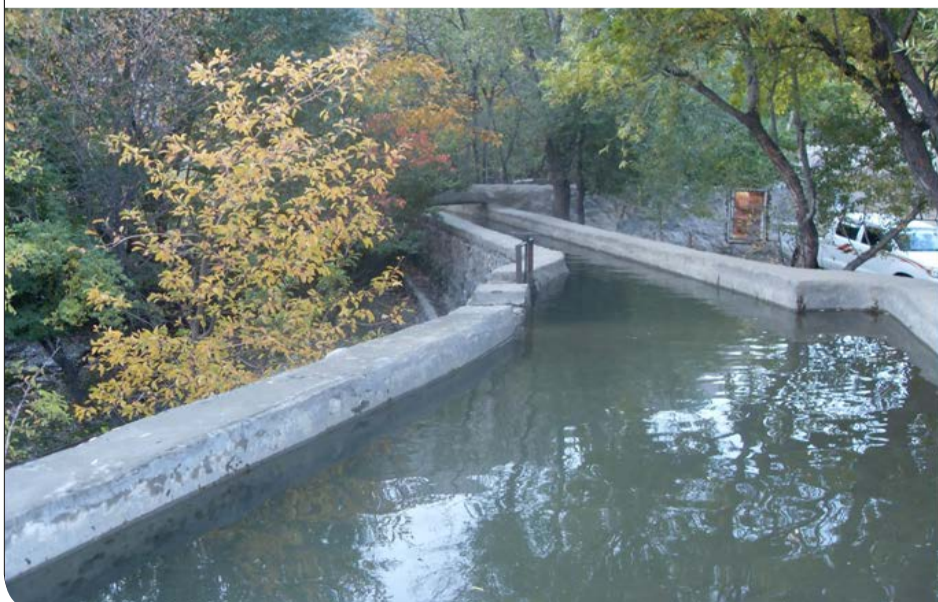
۳ صفحه

## پروژه های انکشافی و رشد اقتصادی روستایان

وزارت احیا و انکشاف دهات، و تقویت بیشتر بنیه اقتصادی روستایان کشور، اخیراً پروژه ملی حفظ و مراقبت و کاربایی را تحت چتر برنامه ملی ایجاد کار برای صلح اعلام کرد که با تطبیق آن در کشور، پروژه هایی که به ترمیم نیاز دارند و یا فعلاً نیمه فعال اند و یا هم از فعالیت بازمانده اند، همه مجدداً احیا و بازسازی شده و به حفظ و مراقبت آنان پرداخته میشود. از جهت دیگر با فراهم شدن زمینه کارهای کوتاه مدت و دراز مدت از این طریق برای صد ها هزار هموطن ما، دسترسی به اشتغال مثبت ایجاد شده و از دیدگاه اقتصادی کمک بزرگی به خانواده های نیازمند خواهد بود. باید یاد آور شد که تا اکنون بنا بر تطبیق پروژه حفظ و مراقبت، حدود (۴۵۴۴۰۰۶) روز کاری برای هموطنان روستایی ما ایجاد شده است که از نگاه اقتصادی منافع زیادی به آنها رسیده است.

در نتیجه، به این باور میرسیم که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه روستائین نقش مستقیم، مهم و ارزشمند دارد، زیرا از یک جانب با تطبیق هزاران پروژه انکشافی، سهولت های زیادی را در راستای انکشاف در کشور فراهم کرده و از طرف دیگر، امکانات رفاه اجتماعی و اقتصادی را برای هموطنان روستایی ما به صورت همسان و متوازن مهیا ساخته است.

اداره اطلاعات عامه برنامه همبستگی ملی  
وزارت احیا و انکشاف دهات



وزارت احیا و انکشاف دهات اکنون با راه اندازی پروژه حفظ و مراقبت و کاربایی، برای عده کثیری از هموطنان روستایی ما زمینه های کار و ایجاد کرده است تا از این طریق آنان بتوانند مشکلات اقتصادی شان را برطرف نمایند. برنامه همبستگی ملی، با وجود چالش ها و مشکلات گونه گون، توانست که دست به ایجاد شورا های انکشافی توسط خود روستایان در (۳۴) ولایت کشور بزند و با هزینه مردمی با تطبیق و عملی نمودن حدود (۸۹۶۱۹) پروژه انکشافی و عوام المنفعه توسط همین شورا های انکشافی منتخب، زمینه انکشاف، دستیابی به کار و رشد استعداد ها را مهیا نماید. برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات با عملی نمودن پروژه های باز سازی و انکشافی که پروژه های عایداتی هم شامل آن میگردد، در اصل فقر را کاهش داده و در تحکیم پایه های اقتصاد روستایان نقش به سزایی بازی نموده است.

برنامه اقتصاد کشور ما ازسالیان زیادی بدینسو، وابسته به سکتور زراعت و مالدارانی بوده است که عده کثیری از مردم ما به آن اشتغال دارند. با تأسف که طی چهار دهه اخیر بنا بر وقوع جنگ ها، حوادث ناگوار طبیعی و خشکسالی های پی در پی، بیشترین صدمه را از نگاه اقتصادی و اجتماعی مالداران، زمینداران و دهاقین ما دیده اند، زمین های زراعتی، باغها، تاکستان ها و علفچر های ما به ویرانه ها مبدل شده بودند و تا مدت های مدید زراعت و مالدارانی ما به رکور مواجه بود. ابا آنهم با ختم جنگ های خانمانسوز قبلی و نا ملایقات اجتماعی برخاسته از آن، تا حدود زیادی، صلح و ثبات در کشور ما استقرار یافت و هموطنان آواره ما که مجبور به ترک خانه ها و کاشانه های شان به اطراف و اکناف وطن و حتی به خارج از کشور شده بودند، دوباره به میهن و زادگاه شان برگشتند.

اما با دست ها و جیب های خالی نمیتوانستند دهکده های خود را دوباره بازسازی و یا از نو آباد نمایند، زیرا آبادی و انکشاف، پول و بنیاد قوی اقتصادی میخواهد. در همچو حالتی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات که شاخصه اهداف اساسی آن را بازسازی، آبادانی، پیشرفت، فقرزدایی و رشد اقتصادی جامعه روستایی ما تشکیل میدهد، به یاری روستایان ما شتافت.

خوشبختانه اکنون تا حدود زیادی از ویرانی ها، زمین های بایر و تاکستان های آتش گرفته گذشته اثری نیست. اتحاد و اتفاق روستایان میان هم و با قریه های همجوار روز تا روز گسترش می یابد. با عملی نمودن پروژه های زراعتی مختلف، کشت و زراعت رونق بیشتری یافته است. با اعمار سرک های روستایی که قریه ها را با ولسوالی ها و شهر ها وصل مینمایند، دهاقین و زمینداران ما محصولات زراعتی شان را به مارکیت های داخلی و خارجی میبرند که این خود در رشد اقتصاد شان نقش ارزنده و مهمی دارد. احیای مجدد اکثر علفچر های ما، بالای زنده گی و اقتصاد مالداران ما تأثیر به سزایی داشته است. چنانچه تطبیق (۶۴۴۰) پروژه درسکتور معارف، (۲۲۲۰۸) در ترانسپورت، (۱۵۹) صحت، (۲۵۲۰) معیشت، (۱۶۶۹۳) آبیاری، (۷۷۸۲) در تأمین انرژی برق و (۴۸۹۹) پروژه در عرصه انکشاف دهاتی، توانسته است به گونه ملموس و محسوسی روی رشد اقتصاد روستایان ما اثر مثبت بجا بگذارد.

از همین رو، با تطبیق و عملی نمودن پروژه های انکشافی عام المنفعه در اکثریت قریه های ما همانند: اعمار بند های برق آبی کوچک، حمام ها آسیاب های دیزلی، رشد صنایع دستی و دیگر پروژه های عایداتی، باعث گردیده که اقتصاد از هم پاشیده روستایان ما، با ارایه تولیدات صنعتی داخلی و محصولات زراعتی، دوباره طور نسبی احیا گردیده و ارتقا یابد.

خوشبختانه حکومت وحدت ملی افغانستان به منظور تداوم پروژه های انکشافی و عوام المنفعه برنامه همبستگی ملی

نظری پریانی



## سخن ماندگار

### چرا این همه تفاوت و تبعیض؟

امروز واقعاً درگیر این مسأله بودم که در چه مورد بنویسم. با همین دغدغه، سری به فضای مجازی زدم تا ببینم چه مسایلی بیشتر مطرح اند، که ناگهان به نوشته‌یی برخورددم در مورد تفاوت حقوق کارمندان دولت.

یکی از کاربران فضای مجازی در صفحه خود چنین نوشته بود: «یک مأمور، سرباز و معلم چند معاش می‌گیرد و این آقا که مطمئناً سواد نوشتن و خواندن ندارد، ببینید که چند معاش دارد.» این کاربر معترض، حکم رئیس جمهوری را در صفحه خود گذاشته بود که به وزارت مالیه دستور داده است که به یکی از مشاوران آن وزارت، ۳۵۰ هزار افغانی حقوق در نظر گیرد.

این مسأله واقعاً باعث تعجبم شد، هرچند که می‌تواند چیز تازه‌یی در کشور نباشد.

از سال‌ها به این سو تفاوت حقوق و امتیازها در کشور، محل بحث و اعتراض بوده است. اکثر کارمندان دولت با حقوق بسیار ناچیز زنده‌گی می‌کنند ولی یک عده خاص به نام متخصص و چیزهای دیگر، حقوق‌هایی می‌گیرند که واقعاً حیرت‌انگیز است. حقوق یک کارمند عادی دولت در ماه کمتر از مخارج اوست، در حالی که عده‌یی با حقوق و امتیازهای ویژه می‌توانند در ناز و نعمت زنده‌گی کنند. این تفاوت بدون شک عادلانه به نظر نمی‌رسد و می‌تواند از وضعیت فاجعه‌بار کشور و از تبعیضی که علیه شهروندان آن اعمال می‌شود، پرده بردارد.

در نظام‌های متکی بر سیاست اقتصاد بازار، چنین تفاوت‌هایی عادی پنداشته می‌شوند و بسیاری از نظریه‌پردازان لیبرال، این تفاوت حقوق و امتیازها را در جای دیگر جست‌وجو می‌کنند. به گفته این نظریه‌پردازان، تفاوت توزیع نعم مادی، به خلاقیت و ابتکار افراد برمی‌گردد و دولت حق ندارد که در این خصوص مانع ایجاد کند تا زمانی که مشخص نشود که کسی به صورت غیرقانونی از امکانات به سود خود بهره‌برداری می‌کند.

اما با وجود این مسایل، در این کشورها سطحی از رفاه همه‌گانی پنداشته می‌شود که کمتر از آن، می‌تواند غیرقابل تحمل باشد. این کشورها خط‌های قرمزی دارند که می‌تواند عدالت را در میان شهروندان برقرار سازد. در یک معنای دیگر، در کشورهای غربی سطح فقر مشخص است و دولت‌ها نمی‌گذارند که مردم به آن سطح نزول کنند. وقتی فقر می‌خواهد گریبان‌گیر مردم شود، دولت از صلاحیت‌های خود برای برقراری عدالت استفاده می‌کند. پرداخت هزینه‌های کمکی، بهداشتی و نظایر آن، بخشی از فعالیت‌هایی است که دولت‌ها در کشورهای غربی برای ایجاد رفاه اجتماعی از آن‌ها به نفع شهروندان خود بهره‌برداری می‌کنند.

عدالت در همه حال، دغدغه بسیار قدیمی بشر بوده است. انسان‌ها از قرن‌ها به این سو تلاش کرده‌اند که تفاوت میزان درآمدها را کم سازند؛ اما با وجود این تلاش‌ها، هنوز هم تفاوت‌های چشم‌گیری در میان انسان‌ها دیده می‌شود. فیلسوف‌های آرمان‌شهرگرا، همواره دغدغه عدالت داشته‌اند و به همین دلیل در نظام‌های فکری خود، به این مسأله به عنوان اصلی‌ترین مشکل بشریت پرداخته‌اند.

مارکس وقتی سرمایه‌داری قرن نوزدهم را در غرب مشاهده کرد، به فکر ساختن جامعه‌یی طبقه‌شده شد که در آن دیگر تفاوت میان انسان‌ها از نظر مادی رخت بر بسته باشد. دیدگاه‌های مارکس البته خلق‌الساعه نبودند و به قرن‌های پیش از او برمی‌گردد. در قرن‌های پیش از مارکس نیز کسانی بودند که به فکر ساختن جامعه‌ی عادلانه، بشر را تشویق می‌کردند که در برابر ظلم و ستم استثمارگران ایستاده‌گی کنند. اما وقتی خود به اریکه قدرت رسیدند، به همان استثمارگرانی تبدیل شدند که خود آن‌ها را از جا برداشته بودند. همین مسایل بود که بشر در قرن‌های پسین، به نوعی از نظام‌های سیاسی و اقتصادی روی آورد که به گفته نظریه‌پردازان، نظام‌هایی بهداشتی‌تر نسبت به اسلاف خود بودند.

در دموکراسی‌های امروزی هرچند ریشه‌های بی‌عدالتی کاملاً کنده نشده، ولی این نظام‌ها توانسته‌اند اقتناع عمومی را از راهکارهای خود به دست آورند. عدالت به هر صورت، باید در صدر وظایف دولت‌ها و کشورها قرار داشته باشد.

در دموکراسی افغانستان اما این بی‌عدالتی به صورت مضاعفی انجام می‌شود. نظام فعلی کشور، خود را نظامی عادل و متکی به رای و اراده مردم می‌داند، ولی کمتر دیده شده که دغدغه عدالت و مساوات را داشته باشد. نظام فعلی افغانستان، نه یک نظام کاملاً سرمایه داری است و نه یک نظام کاملاً سوسیالیستی. نظام فعلی افغانستان را نمی‌توان با هیچ‌یک از نظام‌های جهان مقایسه کرد. در این نظام، دولت همان لویاتان‌هاست که به جان شهروندان افتاده و از آن‌ها قربانی می‌گیرد.

# آسیب‌شناسی

## یک حرکت دادخواهانه

جهت حفظ دموکراسی و نظم موجود در آن بردارد. اگر حکومت نتواند میان اعتراض خشن و اعتراض مدنی، و نیز خشونت مشروع و نامشروع تمیز قایل شود، شیرازه دموکراسی و در نتیجه شیرازه نظام از هم می‌پاشد و بیش از همه برای حاکمان پشیمانی به‌بار می‌آرد.

از طرف دیگر، در حرکت‌های دادخواهانه مدنی، باید شعارهای نمادین با خواست‌های اصلی معترضین همسنگی داشته باشد. در تظاهرات روز جمعه دیدیم که میان شعار نمادین و خواست‌های اصلی، یک تناقض آشکار وجود داشت؛ مثلاً: به این سوال پاسخ داده نشده بود که معترضین در برابر گروگان‌گیری‌های اخیر تظاهرات کرده بودند یا اینکه در برابر نظام صدارتی ایستاده بودند. با توجه به مطالعه گروهی و حتا خونی و تباری معترضین روز جمعه کابل، می‌دیدیم که گروه‌های اشتراک کننده در آن جنبش، به عنوان گروه‌های سیاسی، اجتماعی، قومی و فردی همه شامل یک طیف سیاسی مشخص با خواست مشترک نظام صدارتی بودند. اما آنان در پایان حرکت شان، تمثالی را زیر نام «حکومت دوسره» تحقیر کردند. «حکومت دوسره» به حکومت وحدت ملی که پیش‌درآمدی برای دست‌یافتن به نظام غیر ریاستی است، از طرف موافقان نظام ریاستی در برابر نظام صدارتی عنوان می‌شود تا کارکرد ضعیف حکومت وحدت ملی را بر نوعیت نظام تسری بخشند و نظام ریاستی را رجحان دهند. بنابراین، نماد معترضین روز جمعه، در واقع در برابر درخواست‌های یک‌ونیم دهه‌یی شان قرار داشت. اما نفس عدم آگاهی سازنده‌گان و تصمیم‌گیرنده‌گان آن برپایی بر این مفهوم، بر ناپخته‌گی آنان دلالت می‌کند. می‌شد که آنان نماد ناکاره‌گی و یا ضعف دولت آقایان غنی و عبدالله را در رویکردهایی مثل تقسیم نشدن قدرت، انحصار قدرت و یا بی‌توجهی به وعده‌ها و پشت کردن به ارزش‌های این دو سیاست مدار، ترسیم می‌کردند. بنابراین میان شعارهای اصلی و تمثال نمادین تظاهرات دیروز، تفاوتی از زمین تا آسمان وجود داشت.

که بدون استفاده از ابزارهای خشن و اقدام‌های فیزیکی، اهداف خود را پی می‌گیرند و دولت مسوول هم با همین نرمی و انعطاف با آنان برخورد می‌کند.

مسلمان در جامعه‌یی مثل افغانستان، میان جنبش‌های دادخواهانه و نوعیت تبار معترضین، رابطه‌یی منطقی استوار است و می‌توان میزان بروز خشونت در آن‌ها را با مطالعه اتنیکی معترضین مورد بررسی قرار داد؛ و به عبارت دیگر، میزان خشونت در جنبش‌ها از همین زاویه قابل درک و شناخت می‌باشد. مطالعات بیالوژیک نشان می‌دهند که خشونت، همبسته جغرافیای خشک و جوامع زمخت است، و تعادل و مدارا نیز زاده جغرافیای معتدل و حاصلخیز. اما درستی این فرمول طبیعی را به‌کرات در خویش حرکات و اعتراض‌های تاریخی‌یی که به جاده جنگ و خشونت کشیده شده‌اند و آن‌هایی که با مسالمت و زیبایی به منزل گشایش رسیده‌اند، دیده‌ایم. که هر دو صورت موضوع این مقاله است.

جنبش روز جمعه نشان داد که حرکت‌های دادخواهانه با الگوی عدم خشونت نیز با مداخله برهنه دنده‌های قدرت می‌تواند به خشونت بگراید. مسلماً روان‌شناسی و تبارشناسی حرکت‌های دادخواهانه، می‌تواند ما را به معیار درستی در به خشونت گراییدن یا مسالمت‌آمیز ماندن خواست‌های جمعی رهنمون گردد. دادخواهی روز جمعه شهروندان کابل، با خشونت پولیس و نیروهای انتظامی حکومت استقبال شد و اگر اعتراض‌گران اندکی کوتاه نمی‌آمدند، این امکان وجود داشت که اوضاع پایتخت شکل دیگری می‌یافت. واضح و مبرهن است که هنوز مدیریت کلان سیاسی کشور، معرفت برخورد مناسب با اعتراض‌های مدنی را ندارد و به همین دلیل، هر جنبش نرمی می‌تواند سخت و زمخت گردد و به چالشی در برابر حکومت تبدیل شود.

لازم است که حکومت با کسب معرفت بیشتر در مواجهه با اعتراض‌های مدنی، از خشونت نامشروع دست بکشد و بلندترین گام را در

تظاهرات روز جمعه شهریان کابل از طرف پولیس با خشونت مواجه شد و چندین جوان معترض را زخمی ساخت. همچنان راهپیمایی و واکنش‌های راهپیمایان نشان داد که میان خواست‌های اصلی و شعارهای نمادین این حرکت دادخواهانه، تعارض بنیادینی وجود داشته است. بنابراین مهم است که به کنه این قضیه پرداخته شود تا در آینده، معرفت بیشتری نسبت به حرکت‌های دادخواهانه و مدنی پیدا کنیم.

افغانستان در پانزده سال اخیر، اعتراض‌های سخت و نرم فراوانی را تجربه کرده است. در سال‌های پسین اما این اعتراض‌ها رنگ‌وبوی بهتری به خود گرفته‌اند و نشان داده‌اند که از تجربه‌های گذشته استفاده شده است. مردم افغانستان با حرکت‌های مدنی چندان آشنا نیستند و این حرکت‌ها به عنوان یک فرهنگ نو، مولود پانزده سال اخیر است؛ به همین دلیل، آن‌ها برخورد‌های متفاوتی با آن دارند.

از آن‌جا که حافظه تاریخی افغانستانی‌ها به خشونت خو کرده است، بسیاری از مردم، اعتراض‌های نرم و تجمعات خیابانی را بی‌فایده می‌دانند. اما واقعیت این است که با تغییر شرایط و بازتعریف برخی از ارزش‌های حاکم بر جامعه و جای پا باز کردن فهم متفاوت در دل قدرت و سیاست، رویکرد ما به مسایل و پدیده‌ها نیز باید متفاوت و از جنس زمان باشد. گذر زمان و افزایش آگاهی عمومی نشان خواهد داد که اعتراضات نرم هرگز مشت بر هوا کوبیدن نیست؛ بلکه همین اعتراض‌های به‌ظاهر بی‌حاصل، نطفه یک جریان و تحول دیالکتیک را بر زمین سیاست و قدرت ما می‌نشانند که برای تماشای ثمره پربار آن، باید اندکی پشتکار داشت و حوصله به خرج داد.

مسلماً حرکت‌های مدنی‌یی که بعدها به جنبش‌های مدنی سرتاسری تبدیل می‌شوند، برای احیا یا به‌دست آوردن حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی شکل می‌گیرند و تبارشناسی آن‌ها در این مقال اندک نمی‌گنجد. به باور من، حرکت‌های مدنی دادخواهانه، جنبش‌هایی‌اند

# طالبان مشغول جمع آوری عشر و ذکات در کندز هستند

عبدالودود پیمان: قوماندان امنیه، والی کندز و قوماندان زون ۸۰۸، امنیت خود را تامین کرده نمی‌توانند و در تهکوی زندگی می‌کنند، اما از نماینده‌ها انتظار دارند تا با مردم صحبت کرده و آنان را از دادن عشر و زکات منع کنند!

## ناحیه نوری

نماینده‌گان کندز در مجلس دلیل بهتر شدن وضعیت امنیتی کندز را مصروف شدن طالبان جهت جمع‌آوری عشر و زکات می‌دانند. این نماینده‌گان می‌گویند: چون اکنون «فصل عشر و زکات» است و طالبان مشغول جمع‌آوری آن اند، بنابراین امنیت کندز نسبتاً خوب است.

اما قوماندان زون هشتم صد و هشت سپین زر، دلیل بهتر شدن وضعیت امنیتی در کندز را انجام عملیات نیروهای امنیتی عنوان می‌کند. این نظریات پس از آن ابراز می‌شود که شماری از نماینده‌گان مجلس با انتقاد از حکومت برای تأمین نکردن امنیت کندز و شاه‌راه منتهی به این ولایت انتقاد کرده می‌گویند: حکومت هیچ اراده‌ی برای تأمین امنیت کندز ندارد.

اما شیرعزیز کامه‌وال قوماندان زون ۸۰۸ سپین زر با انتقاد از نماینده‌گان و مردم کندز می‌گوید: تنها با

نیامدن و با مردم صحبت نکردند. کامه‌وال گفت: نماینده‌گان باید با موکلین خود در محل شان دیدار کنند و اگر ما امنیت شان را تامین نکردیم، ما را مورد انتقاد قرار دهند، اما باید بیایند و با مردم صحبت کنند و به آنان بفهمانند که نباید عشر و زکات شان را به طالبان بدهند. اما عبدالودود پیمان نماینده مردم کندز در مجلس می‌گوید: قوماندانان والی کندز امنیت خود را تأمین کرده نمی‌توانند و در تهکوی زندگی می‌کنند، اما از نماینده‌ها انتظار دارند تا با مردم صحبت کرده و آنان را از دادن عشر و زکات منع کنند. وی افزود: اینکه نماینده‌ها به مردم بگویند که شما زکات تان را به طالبان ندهید؛ مشکل حل می‌شود؟ نه خیر جایی که طالبان حاکم هستند نه قوماندان امنیه رفته می‌تواند، نه وکیل و نه والی، طالبان هم هرآن چیزی که بخواهند انجام می‌دهند. او با انتقاد از حکومت گفت:

جمع‌آوری شده، دوباره کندز را تصرف کنند. وی تصریح کرد: تنها طالبان نیستند که از مردم به زور عشر و زکات می‌گیرند، بل اربکی‌ها و پولیس محلی نیز از مردم باج می‌گیرند که در نهایت دهقانان چیزی برای خود نمی‌داشته باشند.

او همچنان گفت: اما حکومت افغانستان هیچ برنامه‌ی برای پاک‌سازی کندز از وجود طالبان نداشته و ندارد و به همین دلیل طالبان با خیال راحت مصروف باج گرفتن از مردم اند. وضعیت گروگانان:

قوماندان زون ۸۰۸ سپین زر از آزادی سازی گروگانان خبر داده گفت: فقط شش نفر دربند طالبان اند و بقیه گروگانان آزاد شده اند.

کامه‌وال محل نگهداری گروگانان را ولسوالی چهاردره عنوان کرده گفت: اگر گروگانان آزاد نشود، ما برای آزادسازی آنان عملیات خود را آغاز خواهیم کرد.

اما عبدالودود پیمان می‌گوید: همین اکنون بسیاری از مردم کندز تحت حاکمیت طالبان زندگی می‌کنند و در قید طالبان اند.

او تأکید کرد: آزاد سازی تنها شش گروگان کافی نیست، بل ده‌ها هزار نفر که در حاکمیت طالبان زندگی می‌کنند، در گرویی طالبان اند و باید آزاد شوند.

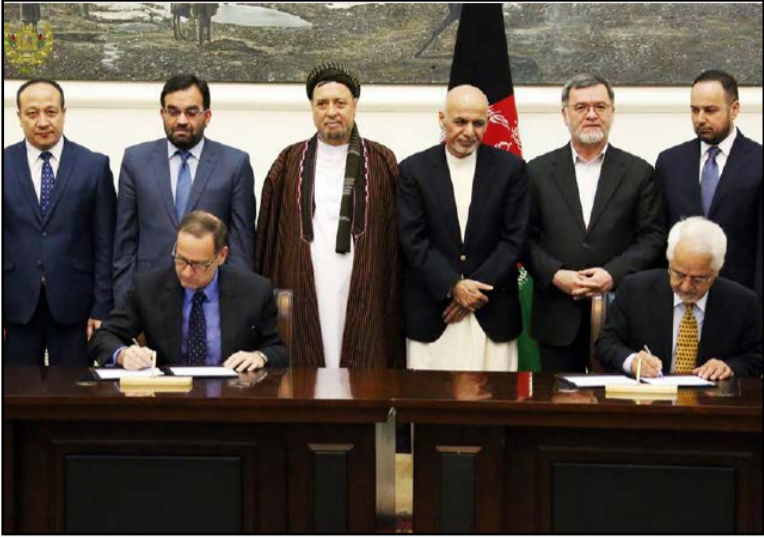
فاطمه عزیز، گروگان گیری اخیر در کندز توسط طالبان را سبب نگرانی مردم دانسته گفت: گروگان گیری اخیر سبب شده تا مردم نتوانند به کابل سفر کنند و یا هم به مناطق دیگر سفری داشته باشند.

طالبان مسلح چند هفته پیش موتر ۴۰۴ را با دو موتر فلانکوچ که از بدخشان به سوی کابل در حرکت بودند در مسیر علی آباد - کندز متوقف ساخته و به سوی ولسوالی چهاردره برده اند. از جمع ۱۸۵ مسافر، شش تن را کشته اند و حدود ده تن را آزاد ساختند و بقیه مسافران را با خود برده اند.

این در حالیست که چند هفته قبل نیز طالبان چند واسطه مسافربری را در ولسوالی خان آباد ولایت کندز متوقف کردند و صدها مسافر را گروگان گرفتند و ۱۲ تن از این مسافران را کشتند.

طالبان در چند هفته اخیر گروگان گیری در شاه‌راه‌ها را افزایش داده‌اند و چند تن از مسافران را در ولایت سمنگان نیز به گروگان گرفتند.

## تفاهم‌نامه انتقال برق از دوشی تا بامیان امضا شد



### ابوبکر صدیق

بامیان همزمان به آن آغاز شود و نهادهای مسوول وظیفه دارند که طرح انتقال برق به سایر ولایات را تا شش ماه آینده تصویب و کابینه تقدیم کنند.

او گفت با آغاز کار برق حرارتی در آشپشته لاین برق ۵۰۰ کیلوولتی از آشپشته تا ارغندی اعمار شود و وزارت مالیه هزینه این پروژه تنظیم و در بررسی وسط سال به پارلمان ارایه کند.

از سوی دیگر، توماس پنیلا رییس بانک انکشاف آسیایی گفت: برنامه انرژی در همکاری‌های منطقه‌ی بسیار مهم است و ما به رسانیدن انرژی برای مناطق محروم به ویژه بامیان متعهد هستیم که این پروژه برای فعالیت‌های اقتصادی ارزشمند است.

در همین حال، قدرت الله دلاوری رییس برشنا شرکت که جزییات تخنیکی پروژه انتقال برق ۲۲۰ کیلوولتی دوشی تا بامیان را توضیح می‌داد گفت: دیزاین و اعمار سبستیشن ۲۲۰ کیلوولتی و اعمار شبکه توزیع برق برای ۲۰ هزار خانواده در بامیان توسط بانک انکشاف آسیایی تمویل می‌شود.

آقای دلاوری افزود: شرکت برشنا پس از ایجاد کمیسیون بررسی مسیر برق ۵۰۰ کیلوولتی «تا» هیأت خود را به بامیان و دوشی فرستاد تا شبستیشن دوشی و بامیان تعیین و تکمیل کنند.

رییس شرکت برشنا گفت: به اساس فیصله مشورتی فیشنر که قرار داد خدماتی را با ایشان امضاء شده، این پروژه در وسط اکتوبر سال روان میلادی به داوطلبی فرستاده خواهد شد. هم‌چنان، در اول سال ۲۰۱۷ کار پروژه انتقال برق ۲۲۰ کیلوولتی از مسیر دوشی به بامیان شروع تا حصه دوم سال ۲۰۱۸ ختم خواهد شد.

قرارداد انتقال ۳۰۰ میگاوات برق به ولایت بامیان درحالی امضا می‌شود که جنبش روشنایی که در واکنش به تغییر مسیر لاین برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان از ولایت بامیان تا کابل ایجاد شده و در پی هماهنگی برای حرکت‌های اعتراضی گسترده در داخل و خارج افغانستان است.

تفاهم‌نامه انتقال لاین ۲۲۰ کیلوولت به ظرفیت ۳۰۰ میگاوات برق از دوشی تا بامیان از طرف مسوولان بانک انکشاف آسیایی با رییس شرکت برشنا به امضا رسید.

این قرارداد دیروز شنبه (۳۰ جوزا/ خرداد) در ارگ ریاست جمهوری میان قدرت الله دلاوری، رییس شرکت برشنا و توماس پنیلا رییس بانک انکشاف آسیایی به امضا رسید.

علی احمد عثمانی وزیر انرژی و آب گفت: انتقال لاین برق ۲۲۰ کیلوولت که از دوشی تا بامیان در نظر گرفته شده ۲۰ هزار خانواده و شرکت‌های صنعتی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

آقای عثمانی افزود: انتقال برق به بامیان زمینه انتقال برق به سایر مناطق مرکزی را فراهم می‌کند و مردم بامیان می‌توانند از این برق در انکشاف اقتصادی و استفاده در سردخانه‌های میوه و محصولات زراعتی استفاده ببرند.

هم‌چنان، سید سعادت نادری وزیر امور شهر سازی و عضو کمیسیون بررسی برق ۵۰۰ کیلوولتی «تا» گفت: مسیر انتقال برق ۵۰۰ کیلوولت ترکمنستان پیش از تشکیل حکومت وحدت ملی امضاء شده بود، اما با توجه به اعتراضاتی که این مسیر در پی داشت، رییس جمهور اشرف غنی کمیسیونی را جهت بررسی مجدد این مسیر ایجاد کرد.

به گفته او، پس از تکمیل بررسی کمیسیون پیشنهاد می‌کند که به منظور حفظ منافع علیای کشور که تمام مراحل تدارکاتی برق ۵۰۰ کیلوولت «تا» از شمال به جنوب از مسیر سالنگ که پیش از دو سال گذشته اجرا شده، مراحل تدارکاتی این پروژه از حالت تعلیق بیرون شود.

او ادامه داد که به منظور تأمین انرژی دوشی و ولایات مرکزی پروژه برق ۲۲۰ کیلوولت دبل سرکیت با ظرفیت ۳۰۰ میگاوات برق با اعمار شبکه لاین متذکره از مسیری دوشی تا مرکز بامیان از ماه سرطان سال روان شروع تا ماه قوس سال ۱۳۹۸ ختم شود. او افزود: اعمار شبکه توزیع برق برای ۲۰ هزار خانواده در



طالبان از مردم به زور عشر و زکات می‌گیرند و مردم هم مجبور هستند به آنان باج بدهند، اما حکومت با قدرتی که دارد نمی‌تواند طالبان را از کندز بیرون کند تا مردم مجبوراً به آنان باج ندهند.

پیمان، تنها راه حل را فشار آوردن به طالبان عنوان کرده می‌گوید: با طالب‌نوازی نمی‌شود امنیت را در کشور تأمین کرد، بل تنها راه حل مبارزه با آنان است و بس.

با این حال، دکتر فاطمه عزیز نماینده دیگر مردم کندز در مجلس می‌گوید: چون اکنون «فصل عشر و زکات» است و طالبان مشغول جمع‌آوری آن از مردم اند، بنابراین امنیت نسبتاً خوب است. وی تأکید کرد: اما گفته می‌شود که طالبان تصمیم دارند تا با پول

نیروهای امنیتی نمی‌شود امنیت را تأمین کرد، بل به همکاری مردم و نماینده‌گان مردم امنیت تأمین می‌شود.

او وضعیت امنیتی کندز را خوب ارزیابی کرده و دلیل آن را انجام عملیات توسط نیروهای امنیتی عنوان کرده تأکید کرد: ما برای پاک‌سازی شماری از شاه‌راه‌هایی که مورد تهدید بود، پوسته‌های امنیتی ایجاد کردیم.

وی با انتقاد از وکلا گفت: هیچ یک از نماینده‌گان به مردم هشدار نمی‌دهند که نباید عشر و زکات شان را به طالبان بدهند و با نیروهای امنیتی همکاری کنند.

او شماری از نماینده‌گان را متهم کرده که از زمانیکه از مردم رای گرفتند و نماینده شدند؛ حتی یکبار به کندز

# آینده افغانستان و سازمان‌های منطقه‌پی



دکتر محیی‌الدین مهدی

پاکستان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به برتری‌های غیرقابل رقابت دست یافته است. در حال حاضر، هیچ‌گونه توازن و تعادل میان موقعیت‌های دو کشور وجود ندارد. ۳- نه تنها از ادعای غیررسمی و غیرعلنی حاکمیت افغانستان مبنی بر دستیابی به اراضی آن‌سوی خط دیورند، هیچ کشوری به شمول هند حمایت نمی‌کند، بلکه ادامه بحران و عدم استقرار امنیت و فقدان اقتدار دولت مرکزی، یکی از این دو اندیشه را تقویه می‌کند: ۴- قول فرایزنتلر مبنی بر ادغام افغانستان به پاکستان که اینک سیاست عملی ولی غیررسمی این کشور گردیده است؛ ۵- نظریه بلک‌ویل مبنی بر تقسیم افغانستان به دو کشور جدا از هم به نام‌های پشتونستان و خراسان. ۶- سازمان‌های منطقوی ایکو و سارک که در حال حاضر افغانستان در آن‌ها عضویت دارد، هیچ‌کدام توانایی لازم برای حل بحران میان کشورهای عضو خویش را ندارند. علاوه بر این، عضویت افغانستان در سارک تنها مفید نیست، بلکه پیامدهای منفی دارد.

### ب. پیشنهادها

بقای افغانستان مستلزم سه تلاش به هم پیوسته در عرصه داخلی و منطقوی و جهانی است: الف- تلاش برای مهار کردن فعالیت‌های احزاب، گروه‌ها و دسته‌هایی که با طرح ادعای ارضی بر خاک‌های آن‌سوی خط دیورند، زمینه‌های مداخله پاکستان و سایر هم‌پیمانان آن کشور را فراهم می‌آورند. ب- دولت افغانستان باید "همگرایی منطقوی در چارچوب سازمان همکاری‌های اقتصادی ایکو" را محور اصلی سیاست‌های منطقوی خویش بسازد. این امر مستلزم حل مشکل مرزی و سایر اختلافات با پاکستان و دیگر کشورهای است. ج- افغانستان با طرح شرایطی که پس از این مانع مداخله پاکستان در امور داخلی‌اش گردد،

### بخش پنجم

همکاری‌های شانگهای همکاری‌های اعضای سازمان را در سه زمینه سیاسی و امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌توان مورد بررسی قرار داد:

۱. همکاری در زمینه‌های سیاسی و امنیتی: - اتخاذ مواضع مشترک در سیاست خارجی و اتخاذ سیاست‌های مشترک در مسایل منطقه‌یی و بین‌المللی؛ - اقدام مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و مهاجرت غیرقانونی؛ - همکاری در زمینه کنترل تسلیحات و خلع سلاح.

۲. همکاری در زمینه اقتصادی، بازرگانی و تجاری: - تقویت و گسترش همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌یی؛ - گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری و ایجاد محیط مناسب برای رسیدن به جریان آزاد سرمایه، کالا و خدمات در کشورهای عضو؛ - برداشتن موانع در جهت گسترش و تقویت حمل‌ونقل جاده‌یی؛ - تبادل اطلاعات در زمینه‌های گوناگون؛ - همکاری در زمینه ترانزیت انرژی؛ - مدیریت منابع آب در منطقه.

۳. همکاری در زمینه اجتماعی: همکاری‌های آموزشی، ورزشی، بهداشتی، گسترش توریسم و تبادلات فرهنگی.

### اهداف و وظایف

مهم‌ترین اهداف و وظایف سازمان همکاری‌های شانگهای عبارت‌اند از:

- تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان کشورهای عضو برای تثبیت همکاری‌های چندوجهی در زمینه اقتصادی و سیاسی؛
- همکاری مشترک برای مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمام اشکال آن؛
- تشویق همکاری‌های منطقه‌یی در زمینه‌های مختلف سیاسی، تجاری، اقتصادی، دفاعی، محیط زیست، فرهنگی، علمی، فناوری، آموزشی، انرژی، حمل و نقل و...؛
- اقدام مشترک و مشارکت جمعی برای ایجاد رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوازن و جامع در منطقه، به منظور افزایش استانداردها و ارتقای شرایط زندگی در کشورهای عضو؛
- هماهنگی رهیافت‌ها برای تعامل در اقتصاد جهانی؛
- تقویت همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی؛
- همکاری در زمینه ممانعت از منازعات بین‌المللی و حل مشکلاتی که جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه خواهد شد.

### اهداف و اصول سارک

اساساً فلسفه ایجاد سارک، بیشتر اقتصادی بوده است و اهداف سیاسی در اولویت‌های بعدی سازمان قرار دارند. مهم‌ترین اهداف بنیان‌گذاران سارک مطابق با اساس‌نامه این سازمان را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد: ۱. ارتقای سطح تأمین مصالح اجتماعی مردم منطقه جنوب آسیا و افزایش کیفیت زندگی آن‌ها؛ ۲. سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی و استفاده از تمام امکانات بالقوه منطقه جهت تسریع در برنامه‌های اجتماعی و توسعه کشاورزی و تأمین فرصت زندگی مناسب برای تمامی مردم؛

- ارتقا و تحکیم همکاری‌های مربوط به اعضای بین کشورهای جنوب آسیا؛
- تقویت معاهدات چندجانبه و درک مشکلات و مسایل یکدیگر؛
- ارتقای همکاری‌های موثر و تشریک مساعی چندجانبه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و فناوری؛
- تقویت همکاری با کشورهای در حال توسعه؛
- تحکیم همکاری بین کشورهای عضو در رابطه با مسایل بین‌المللی؛
- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌یی که دارای اهداف و مقاصد مشابه هستند.



- نتایج و پیشنهادها
- الف: نتایج
- با این مقدمات به نتایج ذیل دست می‌یابیم: ۱- خوش‌بینی‌هایی که در بجهوجه وقوع حوادث ۱۱ سپتمبر مبنی بر جاگزینی افغانستان به جای پاکستان - در سیاست‌های منطقوی امریکا و غرب - به‌وجود آمده بود، نادرست و غیرواقعی بوده است. با توجه به کارنامه نظامی پانزده‌ساله غرب در افغانستان، حضور قوت‌های غربی تحت شرایط موجود، نه تنها مفید نیست، بلکه کاملاً ضد منافع ملی ماست. ۲- در فاصله زمانی کودتای ۱۳۵۲ ش تا امروز (۱۳۹۴ش) توانایی‌های افغانستان - از هر لحاظ - تضعیف و تحلیل گردیده است، درحالی‌که

### بخش نخست



# هیچ درمانی موثرتر از نوشتن نیست!

تعمیری را تصور کنید که اگر به‌صورت منظم صورت پذیرد، دستاوردهای زیر را در بر خواهد داشت:

- ضربان قلب منظم و فشار خون پایین‌تر
  - تسکین دردهای مزمن
  - افزایش مقاومت بدن در برابر عفونت و بیماری‌ها
  - استرس کمتر
  - سرکوب احساس خشم و افسرده‌گی
  - حس شادی بیشتر
  - احساس سلامت و خوشبختی کلی
  - برخورداری معقول در زنده‌گی
- محققان به اثبات رسانده‌اند که تمام این مزایا فقط و فقط در نتیجه نوشتن‌های ساده حاصل می‌شود. ابتدا شوخی نمی‌کنیم، مطالعات متعددی در این زمینه حاکی از آن است که ثبت خاطرات یا نوشتن رویدادها متضمن سلامت، شادی و هدف‌مندی در زنده‌گی است.

بیش از ۱۰ سال است که من به زنان و مردان بالای ۴۰ سال نگارش خاطرات تدریس می‌کنم. خلاصه تجربیاتم در این زمینه ۲ مورد است:

- ۱- تک تک مردم داستانی ارزشمند برای تعریف کردن دارند، حتا اگر در ابتدا چنین تصویری نداشته باشند.
- ۲- اگر بخواهم صادق باشم، هیچ درمانی موثرتر از نوشتن نیست. در طول زنده‌گی حرفه‌یی با مردانی پولادین ملاقات کردم که قادر نبودند احساس‌شان را به صورت کلامی بیان کنند، پس دست به قلم شده و سبک شدند. زنانی را دیدم که ده‌ها هزار دالر خرج دارو و درمان افسرده‌گی کردند، اما به طور ناگهانی نقطه‌یی در زنده‌گی‌شان هویدا شد و خودشان را پیدا کردند. من در صنف روان‌شناسانی داشتم که اعتقاد داشتند نوشتن خاطرات مسیریست به سوی سلامت روح و روان. بنابراین تصور نمی‌کنم که دیگر با افزایش سن، پوکی استخوانی ما را در بر گیرد؛ اکنون بر این باورم که آن‌چه مسبب پوکی استخوان می‌شود، تحمل بارهای احساسی است.

داکتر برنه بران، از اساتید تحقیقات کار اجتماعی در دانشگاه هوستون است. او در زمینه آسیب‌پذیری - یکی از پنج موضوعی که گسترده‌ترین بحث‌ها را در جهان به خود اختصاص داده - سخنرانی‌هایی دارد دال بر این‌که چرا نوشتن خاطرات معجزه‌گر است.

نوشتن از اعماق وجود، ما را به خودمان پیوند می‌زند و مادامی که آن را با دیگران در میان بگذاریم، رابط ما با دیگران می‌شود.

بران معتقد است: ارتباط دلیل حضور ماست. همین امر به زنده‌گی ما هدف و معنا می‌بخشد. او در ادامه چنین شرح می‌دهد که، اما برای دستیابی به آن باید داستان خود را از اعماق وجودمان بازگو کنیم. بدین منظور باید تمام جوانب وجودی خود، حتا نقاط ضعف و جنبه‌های آسیب‌پذیر وجودمان را آشکار کنیم، زیرا مفهوم خاص بودن همین است.

جنت پالز نویسنده یکی از فوق‌العاده‌ترین خاطرات تمام دوران است؛ قلعه شیشه‌یی. نگارش داستان او درباره رابطه ملاحظم او با مادرش حدوداً ۳۰ سال به طول انجامید و در نهایت بر آن شد تا این داستان را به چاپ برساند. او اعتراف نمود که همواره از قضاوت مردم درباره رفتارهای نادرستی که با والدینش داشته، در هراس بوده است.

منبع: بیتوته

فتح الله بنیاز  
بخش نخست



# اوراسیو کیروگا؛ ترکیب شگفته از خلاقیت و درد مندی

دریغ آمد که روی سه کار از نویسنده بسیار با استعداد اروگوئیایی مطلبی نویسم. منظوم کسی نیست مگر اوراسیو کیروگا (۱۸۷۸-۱۹۳۷) نویسنده دردمند اروگوئیایی که اگر آثارش به طور کامل ترجمه شوند، خواننده گان فارسی زبان بدون این که دچار شیفته گی گردند، او را نویسنده‌یی با خلاقیت بسیار بالا خواهند شمرد.

کودک بود که پدر و برادرش در برابر چشم هایش مردند، چندی بعد ناپدری اش که به بیماری فلج مبتلا بود، خودکشی کرد. بهترین دوستش زمانی که کنار هم سرگرم بررسی یک سلاح بودند، به طور تصادفی با همان سلاح کشته شد. همسر اول اوراسیو دچار جنون شد. خود اوراسیو زمانی که پنجاه و هشت سال داشت، از شدت بیماری دست به خودکشی زد. او هم مانند بورخس و ده‌ها نویسنده دیگر قویا تحت تاثیر ادگار آلن پو نابغه ادبی قرن نوزدهم امریکا بود. هیچ مقاله و کتابی نیست که از این تاثیر شدید سخن نگفته باشد. بسیاری جاها به وضوح همان پنهان کاری های هنرمندانه، همان دگرگونه نمایی های ادبی، همان زمان گسستی های مبتنی بر مؤلفه های زیباشناختی در آثار او دیده می شود. از این نویسنده رنج کشیده، دو رمان، هفت مجموعه داستان و یک دفتر شعر چاپ شده است. او نه تنها در اروگوئه که در تمام سرزمین امریکای لاتین از محبوبیت زیادی برخوردار است و هنوز آثارش تجدید چاپ می شوند. گرچه بیشتر منتقدین عنایتی به رمان هایش نداشته اند، اما به تقریب همه آن‌ها او را یکی از شاخص ترین نویسندگان داستان کوتاه می دانند و معتقدند که تاثیر زیادی بر نسل های بعد از خود داشته است. داستان های کوتاه او عموما خلصت اجتماعی دارند، اما در هر یک از آن‌ها با درون مایه خاصی روبه رو هستیم.

نکته بسیار مهم این که: شماری از منتقدین نخستین نشانه های روایی «روش» (متد) یا «شیوه» (نه سبک یا تکنیک یا شگرد یا ژانر) ریالیسم جادویی از «مکتب ریالیسم» را در داستان کوتاه «مرد مرده» اثر اوراسیو کیروگا می دانند که در سال ۱۹۲۰ نوشته شده است و شماری دیگر از منتقدین، خصوصا بعد از تعریف

نویسنده‌یی ونزویلایی به نام «رتور اوسلار پیتیری» در سال ۱۹۴۸، اولین متن ریالیسم جادویی تمام و کمال را «قلمرو این دنیا»، اثر آلو کارپانتیه کیویایی می دانند که در سال ۱۹۴۸ نوشته شده است.

البته شماری از نظریه پردازان هم چون «آمریل چندی» و «استافن اسلمان» ریشه های عمیق ریالیسم جادویی را در آثار کافکا می بینند. استناد آن‌ها به این گفته «تروتان تودوروف» است که که مسخ کافکا امری خیالی نیست؛ زیرا امر خیالی، فقط و فقط آن زمانی خیالی است که خواننده در خوانش و برداشت خود از رخدادها به مثابه اموری فراطبیعی از یکسو و اموری واقعی از سوی دیگر تردید کند. آن‌طور که تودوروف می گوید، «آثار کافکا از این منظر خیال بافانه نیست؛ زیرا خواننده در پذیرش رخدادهای فراطبیعی از نوع مسخ «گره گور» به سوسک [= مادر کیکا] به هیچ وجه تردید نمی کند. این گونه خوانش متن، نشان می دهد که امر خیالی را باید با دیدگاه معنایی گسترده و عمیق تری به کار برد. این برداشت کافکایی را می توان در مورد ریالیسم جادویی هم به کار برد. اکنون در تأویل امر خیال، تفاوت چندانی میان فراطبیعی و واقعی نیست؛ حتی فراتر رفته می توان گفت میان آن دو، یک نوع هم زیستی وجود دارد.»

به باور من [نگارنده این سطور] اگر به جمع بندی جامعی از آرای نظریه پردازانی چون رابرت اسکولز، خورخه لویس بورخس، خولیو کورتار، اویکتور پراوو، ایرلمار جیامبی، اوخه دا بورگوس، لئون لیتواک و دیگر نظریه پردازان دقت کنیم، می بینیم که شماری از آثار کافکا با آن نبوغ عظیم، در ژرف ساخت خود، آثار پست مدرنیستی هستند و «هستی های» دیگر را باز نمایی می کنند و در جاهایی هم هم چون محاکمه از گونه غریب (exotic) می باشند و در محدوده متد (روش) ریالیسم جادویی قرار نمی گیرند. باری در این مورد بحث های زیادی هست که در این مقاله نمی خواهم وقت خواننده را صرف آن‌ها کنم. آن‌ها را در جای دیگری خواهم آورد. فقط اشاره می کنم که این داستان کوتاه با نظریات بیشتر صاحب نظران همخوانی دارد و یک متن ریالیسم جادویی است. ناگفته نگذارم که

که «شاید حرف‌هایی که از مرگ می‌زنیم، محض دلخوشی باشد. مرگ، آن قدر دور است و زنده‌گی چنان نامنتظر که به هر حال هنوز باید زنده‌گی کرد.» ظاهراً جمله مبهم است و حالت پارادوکسیکال دارد. در حقیقت نویسنده می‌گوید که بعد از مرگ هم می‌توان به زنده‌گی ادامه داد و بین رفت و آمد به این جهان حضور داشته باشد. (همان‌طور که ملکیداس در رمان صد سال تنهایی بین دو جهان در رفت و آمد است) فاصله دور مرگ، بیان‌گر این باور و حتا اسطوره است که مرگی این چنینی، برای مدتی گذشته را می‌کاود. حتا ناگهان «معما برایش حل شد؛ او رو به مرگ بود. سپس در متن کلمه مرده می‌آید با فونت درشت‌تر. با این حال، از دیدگاه بیرونی، او مرده است و مرد چشم باز کرده و دنیای پیرامون را می‌نگرد. تنش سرد بود و با خود فکر کرد که شاید کابوس می‌بیند؛ چیزی که امروزه هم علم آن را ثابت می‌کند: «کسانی که تا زمان مرگ چند لحظه‌یی فرصت دارند، فکر می‌کنند دچار وهم و کابوس شده‌اند.»

مرد حتا صدای سوت [= اشپلاق] یکی را می‌شنود، اما نمی‌تواند او را ببیند. با توجه به تجربه‌های پیشین، حتا می‌داند کسی که سوت می‌زند، از پانزده متری او عبور می‌کند. یقین داشت که مثل بقیه نیمروزها، مرتع و باغش با دیگر روزها فرق ندارد و علف‌های کوتاه و تپه‌ها، سکوت و هُرم آفتاب عوض نشده‌اند. این‌ها را نویسنده می‌گوید، اما خواننده ممکن است با خود بگوید که در واپسین لحظه‌های حیات، هنوز تصاویر روز یا روزهای گذشته در مغز او حضور دارند. علم امروزی با اسکن‌های بسیار پیچیده ثابت کرده است که چنین پدیده‌یی وجود دارد و گاه اگر مغز آسیب ندیده باشد، می‌توان از روی این اسکن‌ها حتا به تصویر قاتل یا قاتلین دسترسی پیدا کرد.

اما در سال ۱۹۲۰ آن‌چه به مثابه اطلاعات و دانش به کار این نویسنده می‌آید، باورها و اعتقادات بومی است. نویسنده به خواننده نمی‌گوید که این مرد می‌میرد یا زنده می‌ماند، بلکه فرایند پیچیده مرگ را به صورت یک روایت داستانی بیان می‌کند. طبق باورهای بسیاری از اقوام و قبایل جهان - از جمله امریکای لاتین، چین و هند و چند قوم ایرانی - روح آدمی تا مدتی پس از مرگ جسم افراد، مکان‌ها، اشیاء و پدیده‌های مورد علاقه اش را می‌بیند. حتا سرخ‌پوست‌های گواتمالا پس از مرگ چشم‌هایشان در درون گور را باز نگه می‌دارند و زمانی که عدالت برقرار شد، آن را می‌بندند. میگل آنخل آستوریاس این باور را در رمان «چشم‌های به خاک سپرده گان» باز نمایی کرده است. نکته بسیار جالب این‌که: در ماه‌های آغازین قرن بیست و یکم، دانشمندان به این نتیجه رسیدند که مغز انسان تا چندی پس از مرگ جسم، آخرین تصاویر رؤیت شده را حفظ می‌کند و افراد زنده می‌توانند با نصب سنسورهای خاص در مغز شخص مرده و ارتباط آن‌ها به یک دستگاه پیچیده آنالیزکننده امواج و یک دستگاه مانیتور، این تصاویر را مشاهده کنند.

به هر حال، این مرد بعد از ده سال کار در جنگل، می‌دانست چه‌طور با داس کار کند. این موضوع به ذهن در حال افول مرد خطور می‌کند، پس دچار این وهم می‌شود که «احتمالا کار سنگین صبح، او را از پا انداخته، و حالا طبق معمول مختصر چرتی می‌زد.»

آیا این خواننده است که دچار وهم شده است و مرد از مرگ فاصله دارد؟ چون ساعت یک ربع به دوازده، زن و دو بچه‌اش از آن بالا راه می‌افتند تا او را برای ناهار [= غذای چاشت] ببرند. همیشه اول صدای پسر کوچکش را می‌شنید. پسرک زور می‌زد که از دست مادر خلاص شود و فریاد می‌زد: «پدر، پدر!» آیا این‌ها خاطرات دیروز نبودند؟ اما مرد حالا هم همان صدا را می‌شنود. پس با خود می‌گوید که دچار کابوس شده است. بعد به یاد می‌آورد که بارها از خسته‌گی دچار همین حالت شده بود. اما این بار تکان نمی‌خورد و اسب که از فرط گرما عرق کرده است، مرد افتاده بر زمین را می‌بیند و جرأت نمی‌کند به باغ موز [= کیهل] نزدیک شود. با این حال، گوش خواباند و بعد آرام به طرف جسم بی‌حرکت مرد رفت و با خیال راحت از روی مرد و دیرک گذشت. آیا طبق بعضی از افسانه‌های امریکای لاتین - و جاهای دیگر - حیوانات مرگ انسانی را که با آن‌ها آشنا هستند، زودتر از انسان‌ها تشخیص می‌دهند؟ اصولا زن و دو فرزند این مرد چه شدند؟ شاید هنوز ظاهر نشده بود و این وهم فقط در ذهن محض مرد شکل گرفته بود؟ اصولا وقتی چهارپایی از روی یک انسان عبور می‌کند، بی‌آن‌که آسیبی به برساند، چه معنایی در اسطوره‌ها و افسانه‌ها و ادبیات شفاهی ملت‌ها دارد؟ در ایران وقتی شخصی دراز کشیده و فرد دیگری از روی او عبور می‌کند، دیگران به او اعتراض می‌کنند، چون باور دارند که این عمل بدیمن و نحس است و انسان فقط وقتی از روی بدن دراز شده کسی عبور می‌کند که آن‌کس مرده باشد. این باور در امریکای لاتین هم وجود داشته است و البته در مورد عبور حیوانات، این باور نزد ما و ملت‌های امریکای لاتین شدت و حدت پیدا می‌کند.

چند متقد امریکایی هم کوشیدند که رمان «مرگ سراغ اسقف اعظم هم می‌آید» نوشته هم‌وطن‌شان خانم «ویلا کاتر» را که در سال ۱۹۲۷ میلادی چاپ شده بود، اولین داستان ریالیسم جادویی معرفی کنند که به گمان من چندان منطقی نبوده و نیست و بضاعت ادبی من می‌گوید که این رمان اصلا ریالیسم جادویی نیست؛ همان‌طور که آلمانی تبارها می‌خواهند رمان «عطر» قصه یک آدم‌کش» اثر «پاتریک زوسکیند» آلمانی را که یک پاورقی «خیالی» و در بهترین حالت و با اغماض زیاد، یک داستان بلند سرگرم‌کننده «ماورای طبیعی» است، ریالیسم جادویی معرفی کنند.

بازی، در این‌جا به بررسی سه داستان کوتاه از او می‌پردازم؛ برحسب الفبای نام خانواده‌گی مترجم‌های محترم.

«مرد مُرده» با ترجمه اسدالله امرایی: این داستان بدون پلات مردی بی‌نام را به خواننده نشان می‌دهد که داس در دست، سرگرم هرس باغ موز [= کیهل] است. تازه کار هرس ردیف پنجم را تمام کرده و باید دو ردیف دیگر را هم وجین کند. آن دو ردیف به نظر ساده می‌آید، از این‌رو راضی به نظر می‌رسد. می‌خواهد از حصار سیمی بگذرد تا روی علف‌های کوتاه دراز بکشد و نفسی تازه کند. اما موقع گذشتن از روی سیم خاردار، پایش روی پوستینی سُر می‌خورد [می‌لغزد]. همان زمان داسش را می‌اندازد. وقتی دارد می‌افتد، «خاطره‌های گنگ و وهم‌آلودی از این داس که صاف روی زمین نیافتاده بود، در سر دارد.»

حالا که افتاده است، دهان باز مانده‌اش یک‌باره هم می‌آید و پای چپش تا شده است و دستش روی سینه‌اش است. دسته و نیمی از تیغ داس، از پشت ساعد، درست زیر کمر بند او بیرون مانده است و نصف دیگر داس دیده نمی‌شود. مرد از گوشه چشم به داس نگاه می‌کند. با یک حساب سرانگشتی فهمید که کارش تمام شده است.

به موشکافی متن بپردازیم. نویسنده ابتدا یک کلمه مرگ می‌آورد و البته پُررنگ‌تر از متن اصلی. ذیل آن حدود دوازده سطر درباره مرگ می‌نویسد. طرفه کلامش در این دوازده سطر این است



# هشدار سنا از ۵۰-۵۰ شدن کمیسیون‌های انتخاباتی

## پولیس در خدمت طالبان پولیس مسوول استخبارات طالبان را برای تداوی به کابل انتقال می‌داد



مسوول استخبارات طالبان در بغلان حین انتقال به کابل در یک رنجر پولیس از سوی امنیت ملی بازداشت شده است. والی بغلان می‌گوید که نیروهای امنیت ملی، قاری ظاهر، مسوول استخبارات طالبان در بغلان را که با یک موتر پولیس قرار بود به کابل منتقل شود، در ولسوالی خنجان بازداشت کرده است. عبدالستار بارز گفت که شماری زیادی از نیروهای امنیتی افغانستان توسط این فرمانده گروه طالبان کشته شده‌اند. به گفته او، ظاهر در جنگ‌های شمال و شرق افغانستان نقش فعال داشته است.

والی بغلان می‌گوید که قاری ظاهر حوالی ساعت ۳ بامداد روز یکشنبه در یک موتر رنجر شناسایی و بازداشت شد. او گفت که مقدار زیادی اسلحه و مهمات نیز با این رنجر حمل می‌شد. آقای بارز گفت که امیدوار است با انجام تحقیقات از این فرمانده شورشی، شبکه‌های از دشمنان مردم افغانستان که به گفته او «به عنوان ستون پنجم» ذکر می‌شود، افشا شود.

محمد صفدر محسنی، رییس شورای ولایتی بغلان نیز می‌گوید که قاری ظاهر مسوول تمام جنایاتی است که در ولایت بغلان در سال اخیر انجام شده است.

او گفت که این فرمانده گروه طالبان در منطقه سرخ کوتل ولایت بغلان در حمله هوایی زخمی شده بود.

آقای محسنی مدعی شد: «افراد و اشخاصی که در داخل نظام است و با تروریست و طالب همکار هستند، این افراد با موتر وزارت داخله که بر روی آن نوشته شده پولیس میدان وردک، می‌خواست که قاری ظاهر را به مرکز و بعد به جای نامعلوم منتقل کند که توسط امنیت ملی افغانستان بازداشت شد.»

او گفت که قاری ظاهر دیروز در ریاست امنیت ملی ولایت بغلان به خبرنگاران و مردم نشان داده شد.

آقای محسنی افزود که افرادی که این فرمانده شورشی را منتقل می‌کردند یونیفورم پولیس بر تن داشتند. او از دولت خواست که به این موضوع رسیده‌گی دقیق نماید.

برخی منابع گفته‌اند که محافظان خلیل اندرآبی فرمانده پولیس میدان وردک، مسوول استخبارات طالبان را به کابل منتقل می‌کرده است.

موتر رنجر می‌گوید که این مقام طالبان را حمل می‌کرد، مربوط فرماندهی پولیس میدان وردک می‌شود. برخی منابع گزارش داده‌اند که مسوول استخبارات طالبان نخست به خانه اندرآبی در بغلان برده شده و موها و ریشش کم گردیده و سپس راه کابل در پیش گرفته‌اند.

خلیل اندرآبی، از اعضای حزب اسلامی است و باشنده اصلی ولایت بغلان.

وزارت داخله افغانستان قبلاً اعلام کرده بود که قاری ظاهر، مسوول نظامی گروه طالبان در ولایت بغلان توسط نیروهای پولیس این کشور بازداشت شده است.

در خبرنامه‌ی این وزارت آمده که آقای ظاهر فرد کلیدی این گروه بوده که چند روز قبل در عملیات نیروهای امنیتی افغانستان در منطقه «چشمه شیر» ولایت بغلان زخمی شده بود.

وزارت داخله افزوده که قاری ظاهر صبح دیروز هنگامی که می‌خواست با یک موتر جهت درمان به کابل منتقل شود، توسط نیروهای پولیس ملی در ولسوالی دوشی ولایت بغلان بازداشت شد.

وزارت داخله افغانستان همچنین افزود که قاری ظاهر در طراحی و سازماندهی «حملات تروریستی» در ولایت بغلان سهم فعال داشته است. گروه طالبان تاکنون درباره این خبرها واکنش نشان نداده است.

## افزایش خشونت علیه زنان؛ ۶۰۰ قاضیه در سه ماه

دلبر نظری، وزیر امور زنان می‌گوید، از آغاز سال روان خورشیدی تا کنون ۶۰۰ رویداد خشونت‌آمیز در برابر زنان ثبت شده که نشان‌دهنده افزایش این پدیده در کشور است.

بانو نظری روز یکشنبه در نشستی در کابل گفت که رویدادهای خشونت‌آمیز به ثبت رسیده در برابر زنان نشان می‌دهد که بیشتر این رویدادها در بخش‌های نامن کشور رخ داده است و ولایت‌های هرات، غور، بغلان، تخار و دایکندی بیشترین آمار خشونت‌ها را دارند.

به گفته بانو نظری، میزان واقعی خشونت علیه زنان بیشتر از این‌ها است و شماری از رویدادهای خشونت‌آمیز در برابر زنان تا کنون ثبت نشده است.

در همین حال، سپهری وردک، رییس پلیسی و فنی وزارت امور زنان دیدگاه مردم را نسبت به کارکردهای این وزارت منفی می‌خواند، اما می‌افزاید که این وزارت تا کنون برنامه‌های زیادی را برای بهبود وضعیت زنان انجام داده و در حال حاضر نیز روی برنامه‌دادهای و آگاهی‌دهی به زنان کار می‌کند.

مسوولان وزارت امور زنان می‌گویند، تا دو روز دیگر برنامه‌آگهی منع خشونت در برابر زنان را در سراسر کشور راه‌اندازی خواهند کرد که برای بهبود وضعیت زنان و کاهش آمار خشونت‌ها اثرگذار خواهد بود.



شد. رییس جمهور غنی این اقدام مجلس را یک عقب‌گرد در زمینه اصلاحات انتخاباتی خواند، اما تأکید کرد که از تمام امکانات برای اصلاح سیستم انتخاباتی استفاده خواهد کرد. این در حالی است که به باور شماری از حقوق‌دانان، مجلس نماینده‌گان و حکومت وحدت ملی هر دو فاقد مشروعیت‌اند و تلاش می‌کنند همچنان به‌گونه غیرقانونی به کارشان ادامه دهند.

اما محمدعلم ایزدیار، معاون نخست مجلس سنا می‌گوید که اگر فرمان تقنینی رییس جمهور پس از آوردن تعدیلات، از سوی این مجلس رأی تأیید بگیرد، خوب است. فضل‌هادی مسلم‌پار، رییس سنا در حالی که موضع‌گیری روشنی در مورد فرمان تقنینی رییس جمهور ندارد، بر تکمیل نصاب در روز رأی‌دهی به این فرمان تأکید می‌کند. فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد ساختار، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی هفته گذشته برای دومین بار با اکثریت آرا رد

شماری از اعضای مجلس سنا می‌گویند که تأیید فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد ساختار، وظایف و صلاحیت‌های نهادهای انتخاباتی از سوی این مجلس، سبب تقسیم این نهادها میان رییس جمهور و رییس اجرایی خواهد شد.

فرمان تقنینی رییس جمهور در مورد ساختار، وظایف و صلاحیت‌های نهادهای انتخاباتی که از سوی مجلس نماینده‌گان رد شده، قرار است به‌زودی برای رأی‌گیری به مجلس سنا فرستاده شود.

برخی از اعضای سنا دیروز (یکشنبه) در نشست عمومی این مجلس با ابراز نگرانی از احتمال تأیید این فرمان از سوی سنا می‌گویند که رهبران حکومت وحدت ملی تلاش دارند کمیسیون‌های انتخاباتی را بین خود تقسیم کنند.

محمدحنیف حنیفی، عضو سنا می‌گوید، در یکی از ماده‌های این فرمان آمده است که رییسان ولایتی کمیسیون‌های انتخاباتی از سوی عبدالله عبدالله تعیین خواهد شد.

به گفته او، این کار برای دستیابی به منافع فردی است و ربط زیادی به اصلاحات انتخاباتی ندارد.

شیرمحمد آخوندزاده، عضو دیگر مجلس سنا نگران است که رهبران حکومت وحدت ملی پارلمان آینده را نیز به‌گونه ۵۰-۵۰ بین خود تقسیم کنند. به گفته او این کار جفا در حق مردم است.

## «پر تورخم به دروازه جوپری، که برید وشي خواب ورکو»

د ننگرهار چارواکو په وینا، یوازې قانوني اسنادو لرونکو کسانو ته پر لاره د اوبستو راوبستو اجازه ورکول کېږي.

د ننگرهار د والي ویاند عطاء الله خوگیانی رسنیو ته ویلي، پوله پراښتل شوې او یوازې هغو کسانو ته د تگ راتگ اجازه ورکول کېږي، چې قانوني اسناد (پاسپورت او وېزې) ولري او دواړو غاړو ته به ولاړ گادې هم حرکت کوي.

ختیځ کې د بي بي سي خبریال نعمت الله کریاب وایي، د ښاروالۍ مامورین او کارکوونکي د تورخم دروازې خوا ته ورغلي چې په تېرو شپږو ورځو کې د جگړې په ترڅ کې چې هلته کومه ویجاړي رامنځ ته شوې وه هغه پاکه کړي.

په لومړي ځل د خیبر د ځایي ادارې (پولیتیکل ادارې) یو مشر چارواکي یا تحصیل دار غنچه گل بی بی سره خبرو کې ویلي و د لارې د پراښتلو په اړه موافقه شوې او په دې لړ کې د شنبې په شپه د دواړو خواوو ترمنځ خبرې ترسره شوې وې، چې د پرېکړې ترمنځ د شنبې له سهاره به دا لاره د تگ راتگ لپاره پراښتل کېږي.

دا لاره پنځه ورځې وړاندې هغه مهال وتړل شوه چې په تورخم کې د پاکستان لخوا د یوې نوې دروازې د جوړولو پر سر د اختلاف له امله د دواړو لورو سرحدي ځواکونو ترمنځ نښتې رامنځ ته شوې. دې نښتو کې دواړو خواوو ته ځاني او مالي تاوانونه اوبښتي دي.

ښاغلي گل وویل چې «د دواړو گاونډیو هېوادو د چارواکو ترمنځ خبرې په ډېرې ښې فضا کې ترسره شوې.»

د یوې پوښتنې په ځواب کې دې پاکستانی چارواکي وویل «د پاکستان په خاوره د دروازې جوړول به دوام کوي.»

د لارې د بندېدو له امله نه یواځې لوی شمېر کې خلک هم اغېزمن شوي دي، بلکې سوداگرۍ ته یې هم لوی تاوان اړولی دی.

دغه راز د پاکستان هغه شخصي روغتونونو هم ډېر اغېزمن شوي دي چې هر ورځ لوی شمېر افغانان هلته د تداوی لپاره ورځي.



ورکو. «سرتاج عزیز وایي، افغانستان غواړي موږ د دروازې رغونه پرېږدو، خو موږ دروازه په خپل حد کې رغوو او د دې لپاره له چا نه د اجازې اخیستو اړتیا نه وینو.»

د سرتاج عزیز په وینا پاکستان دغه دروازه له صفري نکتې نه ۳۰ یا ۳۵ متره خپل لوري ته رغوي او هېواد به یې دغه چاره روانه وساتي او د دواړو هېوادونو ترمنځ به یې د تگ راتگ لپاره پراښي.

له نوموړي پوښتنه وشوه، که پاکستان افغانستان ته د دروازې د رغونې په اړه ویلي وو، بیا ولې نښته او تاوتریخوالی رامنځته شو، سرتاج عزیز وایي:

«موږ ۲۰۱۴ کال کې افغانستان ته ویلي و، چې غواړو پر پوله نوې آسانتیاوې رامنځته کړو، خو په وینا یې افغانستان د دغه وړاندیز په اړه کوم رسمي ځواب رانه کړ، موږ د دوی اندېښنو ته هم په پلان کې ځای ورکړی و.»

له دې مخکې د افغانستان او پاکستان ترمنځ د تورخم لاره له شپږ ورځني ځنډ وروسته پراښتل شوه، چې دواړو غاړو ته یې مالي زیانونه واپول او گڼ خلک، گادې او مالونه دواړو غاړو ته ایسار پاتې وو.

د تورخم لارې کې د افغان او پاکستانی امنیتي ځواکونو ترمنځ له نښتې وروسته په دې اړه د خبرو پر مهال بهرنیو چارو کې د پاکستانی لومړي وزیر سلاکار سرتاج عزیز ویلي، که هر هېواد پر موږ برید وکړي، پاکستان به یې ځواب ورکړي.

له بي بي سي اردو سره خبرو کې نوموړي ویلي، تورخم کې به د دروازې جوړولو چارې روانې وي، ځکه په وینا یې دې سره پاکستان نه خو له افغانستان سره کومه هوکړه تر پښو لاندې کوي او نه هم له کوم نړیوال قانون نه سر غرونه کوي.

د نوموړي په وینا تر هغې چې د افغانستان او پاکستان ترمنځ 'د پولې پر سر د ادارې' کوم سیستم نه وي رامنځته شوی، تر هغه مهاله به د ترهگرۍ، سخت دریځۍ او قاچاقو په څېر ستونزې هوارې نه شي. د وویل 'د پولې دواړو غاړو ته تگ راتگ باید د اسنادو له لارې تر سره شي.'

د نوموړي په وینا 'هره ورځ له ۴۰ تر ۵۰ زرو پورې کسان له دغې لارې یې له کومې پوښتنې، گروپونې او خنډه تگ راتگ کوي، چې په وینا یې پکې هر ډول کسان شامل دي.

نوموړی وایي «موږ افغانستان ته مې میاشت کې ویلي و، چې د جون له لومړۍ نېټې وروسته به موږ هېچا ته له اسنادو پرته د تگ راتگ اجازه نه

**فیسبوك نامه**

عبدالله پيمان



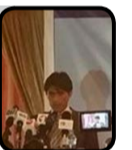
ذکریا اصولی از حقوق دانان افغانستان، طی یک تحقیق گسترده یک سال و نیم به این جا رسیده که نسخه قانون اساسی کنونی افغانستان جعلی است. او بدین باور است که بیش از پنجاه ماده این قانون توسط کرزی، مجددی، فاروق وردک و تنی چند دیگر در لویه جرگه قانون اساسی مورد دست برد قرار گرفته و به صورت آشکار جعل شده است. گرچه قبل از آقای اصولی، برخی دیگر از نویسندگان و کشگران سیاسی این موضوع را بارها مطرح کرده و نسبت به پیامدهای این هشدار داده بودند؛ ولی در این زمینه چیزی که به لحاظ تحلیل ماهیت قدرت و فهم گفتمان سیاست در افغانستان مهم است، این است که در این کشور به علت فقدان نظام دموکراتیک و کارا و نبود فرهنگ سیاسی مدرن و مشارکت پذیر، عدم حضور و نقش نهادهای نظارتی مردم سالار و... درونمایه و چگونگی قانون اساسی را رابطه قدرت تعیین می کند. از این رو وقتی می توان موضوع جعل قانون اساسی و مجازات دست بردزده گان را به نحو موثری دنبال کرد که پیش از آن بتوان رابطه نابرابر قدرت را در کشور تغییر داد.

يعقوب پيستا



مشکل افغانستان مشکل لروبر (لر او بر یو ده) است؛ یعنی تابعیت سیاسی و شهروندی اهمیت ندارد، قومیت مهم است... اگر افغانستانی بودن مهم می بود، حالا این مشکل را نداشتیم؛ از انسان افغانستانی کرده، به قوم خویش که از افغانستان نیست، اهمیت می دهیم و می گذاریم در افغانستان برای سیاست لروبر جابه جا شوند و برخورد قانونی که با یک شهروند خارجی باید صورت بگیرد، صورت نمی گیرد. در دوران حکومت کرزی چند صد فامیل از پاکستان به افغانستان آمدند که از رسانه ها به خصوص از طلوع ورود این خانواده ها پخش شد؛ اما معلوم نشد که این افراد خارجی کجا شدند... تا با این مشکل قومی به صورت قانونی برخورد نشود، معیار خارجی و داخلی بر اساس قانون تابعیت در نظر گرفته نشود، مشکل امنیتی و... حل نمی شود. امید که جنگ مرزی بین افغانستان و تورخم به سیاست لروبر پایان بدهد! برای افغانستانی بودن تابعیت مهم باشد نه قومیت.

عبدالشهيد ثاقب



پیروزی روستا بر شهر: شهرنشین ها کجا شدند؟  
مرزبندی های قومی در افغانستان تا همین اواخر، همانند مرزبندی های طبقاتی یک پدیده پویا، متحول و قابل دگرگونی بود. یا به تعبیر دیگر اصلاً مسأله قومیت چندان مهم نبود، بل تقسیمات اساسی بر بنیاد نحوه زنده گی صورت می گرفت: شهرنشین و روستایی، که به دومی «دهاتی» و «اطرفی» نیز می گفتند. آن که شهرنشین می شد -چه تاجیک و پشتون، چه هزاره و ازبک- کوشش می کرد با تن دادن به چند تغییر عمده، ریشه های قومی خود را که هویت روستایی خود می دانست، انکار کند. اگر پشتون بود زبان پشتو و اگر ازبک بود زبان ازبکی، و اگر هزاره بود لهجه هزارگی، و اگر تاجیک بود لهجه های محلی را کنار گذاشته و به زبان و لهجه میاری شهر سخن می گفتند. زبان های غیرفارسی و لهجه های غیرکابلی، نشانه های اطفایی بودن محسوب می گردید و همه و همه در چارچوب هویت دهاتی گنجانده می شدند. از دیگر ویژه گی های مردم روستایی، کهنه اندیشی و از شهرنشین تجددگرایی تعریف می شد. ارزش های یکی ارزش های مدرن بود و از دیگری، کهنه. به همین خاطر در این سرزمین مرزبندی اصلی در خود اجتماع این بود: شهری هستی، یا دهاتی؟  
در چارچوب همین تقسیم بندی بود که اغلب کشاکش های گذشته نیز به شکل کشاکش شهرها با روستاها، سنت با تجدد، نوگرایی با کهنه اندیشی اتفاق می افتاد، نه به شکل درگیری های قومی. در شورش حبیب الله کلکانی علیه امان الله خان تمام روستایی ها متحد بودند و هم چنان در جهاد مردم علیه رژیم کمونیستی. با برجسته شدن مسأله قومیت در افغانستان، اکنون این دسته بندی رنگ باخته و اینک ریشه های باستانی بیش تر از ارزش های انسانی قدر می بینند و شهرها هم به روستا تبدیل شده اند. به همین خاطر است که امروزه اغلب شهرنشین ها به جای آن که با شهرنشین های دیگر هم ذات پنداری کنند با قریه های شان احساس وابستگی و قرابت می کنند. مهم ترین نمونه اش برگزاری مراسم سوگواری برای ملا عمر یا حمایت تعدادی از شهرنشین های ما از طالبان است. و این عقب گردی بزرگی است. شهرنشین های ما کجا شدند؟

**امریکا ۹۵ درصد تلفات غیر نظامی حملات خود علیه داعش را لاپوشانی می کند**

یک گزارشی جدید فاش می کند که شمار غیرنظامیانی که در حملات هوایی ائتلاف تحت امر امریکا در سوریه و عراق کشته می شوند، بسیار بیش از آن چیزی است که واشنگتن ادعا می کند و تقریباً ۹۵ درصد تلفات لاپوشانی می شود. گروه نظارتی «ایرواز» گزارش داد که ائتلاف تحت امر ایالات متحده امریکا که مواضع داعش در عراق و سوریه را بمباران می کند، احتمالاً ۹۵ درصد از تلفات غیرنظامیان را اعلام نمی کند. ائتلاف مذکور که شامل کشورهای نظیر انگلیس، فرانسه و هالند است، از سال ۲۰۱۴ مواضع گروه داعش را در عراق و سوریه هدف می گیرد و بیش از ۱۳ هزار و ۱۲۱ حمله و با به عبارتی روزانه ۱۹ حمله انجام داده است. طبق گزارش ایرواز، اکثر حملات از سوی امریکا انجام شده است؛ ۶۸ درصد از حملات در عراق و ۸۲/۵ درصد از حملات در سوریه را نیروی هوایی امریکا انجام می دهد. برآورد می شود که شمار تلفات غیرنظامیان در حملات مذکور دست کم ۱۳۱۲ تن باشد. براساس گزارش این گروه نظارتی، شرایط در شش ماه گذشته وخیم تر هم شده است و بین دسامبر و می سال جاری، در عراق و سوریه شمار حملاتی که به کشته شدن غیرنظامیان انجامیده، رشد کرده است. در این گزارش آمده است: در عراق بین ۲۹۷ تا ۵۱۸ غیرنظامی در همین بازه زمانی در جریان حملات هوایی نیروهای ائتلاف کشته شده اند. در سوریه نیز بین ۱۹۷ تا ۵۱۸ غیرنظامی کشته شده اند که نسبت به شش ماه گذشته حدود ۳۸ درصد رشد نشان می دهد. این در حالی است که ایالات متحده امریکا تنها به کشتن ۲۰ غیرنظامی اقرار کرده است. متحدان آن هم مدعی هستند که تلفات غیرنظامی در حملات شان نبوده است. در این گزارش آمده است: اگر چنین چیزی صحیح باشد، مشخص می شود که ائتلاف مذکور احتمالاً تلفات غیرنظامیان را تا ۹۵ درصد گزارش نمی دهد. بدترین واقعه برای غیرنظامیان در مارچ امسال در شهر موصل تحت اشغال داعش رخ داد که دست کم ۲۵ غیرنظامی بیگناه در حمله نیروهای ائتلاف به دانشگاه موصل در اواسط روز کشته شدند.

**درخواست ترکیه از روسیه برای نرم تر کردن موضع پوتین**

سفیر ترکیه در روسیه در جریان دیدار با نایب رییس دوما روسیه از او خواست تا موضع رییس جمهوری این کشور را نرم تر کند. امید یاردیم، سفیر ترکیه در روسیه در هفته گذشته در محل اقامت خصوصی در مسکو با ولادیمیر ژیرینفسکی، نایب رییس دوما روسیه دیدار داشته و این دو درباره روابط ترکیه و روسیه به گفت و گو پرداختند. مقام های وزارت امور خارجه ترکیه نیز این دیدار را تأیید کردند و یکی از این مقام ها گفت: سفیر ترکیه در روسیه با رهبر حزب لیبرال دموکرات ها که نایب رییس دوما روسیه نیز است، دیدار داشته است. البته ما نمی توانیم جزئیات این دیدار را بیان کنیم. اما در جریان این دیدار وضعیت روابط میان آنکارا و مسکو به بحث گذاشته شده است. این مقام دیپلماتیک با اشاره به رخداد مربوط به ۲۴ نوامبر ۲۰۱۵ که در جریان آن یک فروند جنگنده نیروی هوایی روسیه توسط ترکیه سرنگون شد، گفت: ترکیه پیشنهاد کرد تا یک کمیسیون مشترک برای بررسی این مسأله تشکیل شود. ما اخیراً رویکرد خود را درباره این مسأله با ارسال پیام تبریک به مناسبت روز ملی روسیه به مقام های مسکو ابراز کرده ایم. انتظار داریم که دولت مسکو این مسأله را از امروز به بعد به روشی مناسب پیگیری کند و به درخواست های سرنگون شدن جنگنده روس توسط نیروی هوایی ترکیه باعث تنش میان این دو کشور شده است. ترکیه می گوید این جنگنده حریم هوایی این کشور را نقض کرده بود، اما دولت روسیه تأکید دارد که این جنگنده از حریم هوایی ترکیه عبور نکرده و آنکارا را به تحریک های برنامه ریزی شده متهم می کند. ولادیمیر ژیرینفسکی که متخصص امور ترکیه است، پرنس سیاست های روسیه خوانده می شود. دیپمتری پسونوف، سخنگوی دولت روسیه نیز یک متخصص امور ترکیه است و هر دوی این افراد به خاطر ارسال پیام هایی به ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه با توجه به روابط با ترکیه مشهور هستند.

**فیفا: افغانستان و تاجیکستان ۱ سپتمبر به مصاف هم می روند**



در حالی که فدراسیون فوتبال افغانستان در خصوص دیدارهای دوستانه تیم ملی فوتبال افغانستان سکوت اختیار کرده است، سایت فیفا مدعی شده است که در روز اول ماه سپتامبر تاجیکستان میزبان تیم فوتبال افغانستان است. این دیدار طبق ادعای سایت رسمی فیفا روز ۱ سپتامبر در ورزشگاه میتالورگ شهر تورسن زاده برگزار خواهد شد. این در حالی است که پیشتر سایت گل گزارش داده بود که افغانستان قرار است در این ماه مهمان مالزی در کوالالمپور باشد. هفته گذشته پیتر شگرت سرمربی تیم ملی افغانستان نیز خبر از برگزاری یک اردوی تدارکاتی در یکی از کشورهای قطر و امارات در روزهای نخست ماه سپتامبر داده بود. حال باید منتظر اعلام و واکنش رسمی فدراسیون فوتبال افغانستان در این خصوص و ابهامات به وجود آمده یعنی تنظیم دیدار دوستانه و اردوی تدارکاتی برای تیم ملی فوتبال افغانستان بود.

**مشتزن افغانستانی چند گام تا کسب سهمیه المپیک جهانی**



مشتزن خوش تکنیک افغانستانی با پیروزی ۳ بر صفر مقابل حریف جاپانی خود، به جمع ۱۶ ورزشکار برتر رقابت های کسب سهمیه المپیک جهانی راه یافت. الله داد رحیمی، مشتزن خوش تکنیک افغانستان در وزن ۶۹ کیلوگرم در مقابل حریف جاپانی اش به نام «ساتو ریوجی» با نتیجه ۳ بر صفر به برتری رسید و توانست به جمع ۱۶ نفر برتر رقابت های کسب سهمیه المپیک جهانی راه پیدا کند. در وزن او ۴۷ مشتزن از ۴۷ کشور دنیا حضور دارند و رحیمی در مرحله بعدی با «پرنس هارون» از کشور ترینیداد و توباگو رقابت خواهد کرد؛ این مشتزن پیش از این توانسته که مشتزنی از برزیل را شکست بدهد. رقابت الله داد رحیمی در مقابل این مشتزن در تاریخ ۲۰ جون برگزار می شود و هرگاه رحیمی بتواند این حریف قدرتمندش را شکست دهد، به مرحله یک چهارم نهایی راه پیدا خواهد کرد و در آن مرحله احتمال دارد با «کیلی جوشوا» از بریتانیا رقابت کند.

# Mandegar

## زید حامد:

# شارلاتان جدید

### دکتر میرویس بلخی

پس از فروپاشی سیستم استعماری امریالیسم جهانی و ظهور دولت ملت‌های جدید در آسیا و آفریقا که در آن میراث استعمار تاز فراوان گذاشت، دولت‌های جدید با پشتیبانی همین راهکارهای سیاسی استعماری به دنبال تحکیم قدرت برای بقای تمامیت ارضی و سیاست تهاجمی به منظور منافع امنیتی و اقتصادی بر کشورهای همسایه و دور تر که در حد توان بود، پرداخت. هم در این زمان بود که شارلاتان‌های بسیاری برای تحقق برنامه‌های دفاعی و تهاجمی در سیاست این کشورها ظاهر شدند که با سیاست‌های «ماکیاولیسم» بهره برداری سو از همه ظرفیت‌های خوب بشری برای بقای دولت، افکار عامه را در دو راهی قرار داده و تداوم حکام ظالم و مستبد و سیاست‌های نا بشری آنان را حفظ کرده اند. پاکستان در چنین زمینه جایگاه کمتری ندارد. در چهار دهه جنگ در افغانستان و دشمنی دراز مدت و تاریخی با هند، این کشور را در همه برهه‌های این تاریخ، فرصت داده است که برای سیاست دفاعی با هند و سیاست تهاجمی علیه افغانستان، چهره‌های رویه صفت را در صحنه سیاسی پیشکش کرده و به نام‌های مختلف منفعت اسلام و منفعت منطقه بر مردم دیگر تحمیل کرده است که تا شناسایی چهره واقعی آنان، زمان گذشته است و آن چهره‌ها در حاشیه قرار می‌گیرند. آن زمان است که نویسندگان و تحلیل‌گران ما قلمفرسایی نموده و به نقد رد آرایه آنان می‌پردازند و به این گونه چند دهه دیگر افکار نسل جوان را مصروف این ادبیات بازی می‌نمایند که شارلاتان دیگری در فضای آرام و امنیت به دنبال شکل دادن افکار تازه می‌شود.

زید حامد، یکی از این چهره‌های به ظاهر دلسوز برای جهان اسلام و افغانستان است. او در مناظرات تلویزیونی و نشست‌های علمی چنان با تناقضات سخن می‌گوید که خودش بدون شک میدانند، با سخنان دو رویه و دو سویه خودش، از یک طرف تحت عنوان «تکمیل پاکستان» که بر آرای و اندیشه‌های حکیم مشرق زمین، اقبال لاهوری آن را بنا می‌نهد، مسلمانان و مردم عوام در پاکستان را در برابر هند می‌شوراند و از طرف دیگر داعیه «اسلام خواهی» را سر می‌دهد تا تندروهای افراطی و مسلمانان با احساس را در خدمت ارتش پاکستان قرار داده و به عنوان مهره‌های استراتژیک از آن‌ها استفاده کند. نام کامل او سید زید الزمان حامد است که در ۱۹۶۴ در کراچی در یک خانواده نظامی تولد شده است. پدرش زمان حامد در ارتش پاکستان خدمت کرده و بسیار پسان‌ها از وظیفه تفاوت کرده است. زید پس از پایان تحصیل در رشته کمپوتر از دانشگاه کراچی، به عنوان چهره مطبوعاتی ظهور کرده و توجه سیاست گذاران پاکستان قرار داد و برای ارتش پاکستان خدمات‌های بزرگی انجام می‌دهد. او به گفته خودش، از تحلیل‌گران مسائل منطقه و به ویژه مسائل افغانستان است. زید ادعا دارد که در جهاد افغانستان در سال‌های ۸۰ میلادی سهیم بوده و بنا در این اواخر دست نویس‌های خود را نیز تحت عنوان «از دریای آمو تا دریای سند» به چاپ می‌رساند. او در حال حاضر رئیس مرکز مطالعات «براس تاکس» و در عین حال ژورنالیست مطرح در تلویزیون «نیوز ۸۱» در پاکستان است که شب‌ها راس ساعت ۸:۰۰ مدینه وقت پاکستان نشر می‌شود.

این بود چند سر بسیار فشرده از زندگی او تا دوستان بدانند که وابستگی‌های خانوادگی و کاری وی چه بوده و تا چه حد می‌تواند برای منافع پاکستان عزیزش مفید باشد. اما منظور ما معرفی پارادوکس‌های ملی گرای و اسلام گرای وی است که بطور چکیده بیان می‌کنیم. زید حامد در نوشته‌های خود گاه پاکستان می‌گوید و گاه اسلام. او با ارئه هویت پاکستانی از یک طرف و هویت جهان اسلامی چنان تناقض در گفته هایش ایجاد کرده است که بسیار به راحتی می‌شود شناخت که چه می‌خواهد و نیازی به دقت زیاد نیست و کافیتست تا نوشته‌ها و سخنان او را دنبال کرد. او پاکستان را «مدینه دوم» خطاب کرده و به دنبال «حاکمیت خلفای راشد» در آن است. در مورد پاکستان در قطعنامه به نام پاکستان نوشته است:

«پاکستان امانت مقدس و آسمانی است که به صورت تحقق رویای عشق و علاقه امت اسلامی بوجود آمد. پاکستان اسراری از اسرار خداوند است و به منزله مدینه دوم برای امت پیامبر اکرم (ص) بحساب می‌آید.... امروز پاکستان در میان کلیه کشورهای اسلامی از همه قدرتمند

و عظیم است. اما هنوز این کشور باید به جایگاهی در ملل جهان بدست آورد که سرنوشت این کشور خواهد بود.»

به روشنی دیده می‌شود که در این نوشته زیدحامد چه می‌خواهد بگوید. او در حقیقت سخنان زیر پرده ارتش اندولوژیک پاکستان را در روی کاغذ آورده و به نام خود ثبت کرده است. سه سخن مشخص در این نوشته است:

۱- پاکستان سر زمین بسیار مقدس و خواست الهی بوده است.

۲- این کشور باید مرکز جهان اسلام به عنوان مدینه حاضر باشد.

۳- پاکستان قدرت بزرگ است و باید جهان اسلام آن را پذیرفته و به قدرتی آن گردن بنهند.

این آرمان همان سیاست‌های درازمدت ارتش پاکستان و استراتژیست‌های این کشور بوده است که برای شکست شوروی و سپس آمریکا، با سرمایه‌های هنگفت عربستان سعودی در افغانستان نقشه کشیده بودند که در پی آن خلا رهبری در منطقه ایجاد کنند و با ظرفیت و قدرت سه گانه: سلاح هسته ای، ارتش مقتدر و استخبارات آی اس آی، بازار مشترک جهانی بسازد که در آن اسلام آباد ریاض باداری کند. اسلام سیاسی پاکستان از همان اول متهم به فساد بود و دانشمند مسلمان، محمد غزالی مصری، در مقدمه کتاب وحدت فکری، فقهی و فرهنگی مسلمانان خاطر نشان ساخته بود که این حکومت به زوال خواهد رسید چون از اسلام به صفت ابزار استفاده کرده

باز وقتی از خرافه گویی پاکستان تمام می‌شود، به فکر جهان اسلام می‌افتد. در برنامه مرکز مطالعات استراتژیک این دعوت را از مسلمانان کرده است:

«Mr. Zaid Hamid welcomes all of you to join hands with BrassTacks and play our role in Islamic Renaissance and Muslim unity through the agency of this God gifted country of Pakistan

«آقای زید حامد از همه شما دعوت می‌کند تا دست به هم داده با همکاری براس تاک نقش خود را برای رنسانس اسلامی و اتحاد اسلامی بازی کنیم. اما از طریق نماینده اسلام، تحفه خدا در زمین، پاکستان.»

مطالعه بنده این است که زید حامد نه از اسلام چیزی می‌داند و نه از ظرفیت پاکستان در منطقه به جز این‌که سیاست پروپاگند را پیش کشیده و چهره خود را در پاکستانی که اسلام گرایان نفوذ پیدا کرده است، مطرح بکند. او در پاسخ به اینکه چرا در سخنان خود استناد به آیات و احادیث پیامبر نمی‌کنند، گفته بود که چون وقت کم است. در حالیکه پاسخ‌های بسیاری از پرسش‌ها را علما در ارائه یک حدیث و یک آیه ارائه می‌دهد. برای جواب یک سوال نیم ساعت پر گویی می‌کند اما باز هم وقت کم است. نمی‌گوید که ذخیره اطلاعاتش از گنجینه قران و حدیث خالی است. نمی‌داند از این منابع.

او مردی است که جوی پاکستان امروزی که در آن طیف‌های فراوان وجود دارند و همه چون هفتاد و دو ملت به هفتاد دو راه می‌روند و در ظاهر جامعه پراکنده



است، این جو او را به شهرت رسانیده است و چون صدها ملای تکفیری و بی خیر از دین در این میدان وارد شده است که قصه آن چنین است:

داستانی در پاکستان در سال‌های ۲۰۰۰ بر سر زبان‌ها افتاد که با گرایش‌های شارلاتانسم زید حامد بی ربط نیست. در این سال در پاکستان شخصی به نام «یوسف علی» به اتهام ارتداد و ادعای نبوت دستگیر و در دادگاه عالی پاکستان محکوم به اعدام شد. زید حامد خلیفه این پیامبر دروغین بود که در انتظار مردم بد نام شد و حلقه‌های اسلامی تعرضاتی را علیه وی به کار انداختند. بعید نیست که زیدحامد برای فرار از این مخمصه و اعاده حیثیت دست بکار شده و مدافع منافع پاکستان و اسلام می‌شود. تناقض گویی‌های ملیتی و بان اسلامی وی مبین این ادعای من است که می‌خواسته از دو فاکتور عمده (پاکستان و اسلام) برای تحریک احساسات مردم استفاده کرده و خودش را تبرئه نمود. اما این وارخطای به مرادش تمام شد و آهسته آهسته دید که از این طریق می‌تواند کارهای دیگری نیز انجام داد که امروز ما این کارها را شاهد هستیم.

خوانندگان عزیز: این نوشته بسیار فشرده را صرفا برای این نوشته که اسیر چنین چهره‌های جلاک که از اسلام سو استفاده‌های فردی می‌کنند، نشویم. باید بدانیم که چه می‌خواهند و چه می‌گویند. نظریات این چنینی زید حامد کم نیست و نیاز به نوشتن زیاد دارد.

## ده سال گفت‌وگوی [خصوصی]

### با احمد شاملو منتشر شد



هارون مجیدی

در این کتاب احمد شاملو به صورت مستقیم و غیر مستقیم در باره آثار و شخصیت نویسنده‌گان، شاعران و اهل هنر ابراز نظر کرده است.

ده سال گفت‌وگوی [خصوصی] با احمد شاملو را نورالدین سالمی پزشک او نوشته و به تازه‌گی نشر زیرآب آن را در پنج‌صد نسخه به چاپ رسانده است.

آرش شمر طراحی جلد آن را به دوش داشته و اندرابی آن را برگ‌آرای کرده و در چاپ نخست بهار ۱۳۹۵ خورشیدی، به نشر رسیده است.

نورالدین سالمی گفت‌وگر این کتاب در «پیش‌گفتار» نوشته است که یک شب در خدمت استاد احمد شاملو بودم، ایشان توصیه کردند که کتاب «گفت‌وگو با کافکا» نوشته گوستاو یانوش را بخوانم که متأسفانه فرصتی دست نداد تا آن را مطالعه کنم، اما فکر این که من هم می‌توانم چنین کاری کنم از ذهنم بیرون نمی‌رفت.

آقای سالمی در ادامه یادداشتش آورده است: «ابتدا گفته‌های پراکنده استاد را یادداشت کردم و پس از بازگشت ایشان از آمریکا کار شکل جدی‌تری به خود گرفت و طی این مدت گفت‌وگوهای مان را یادداشت کردم که حاصل آن کتاب ده سال گفت‌وگوی خصوصی را احمد شاملو می‌باشد.»

ده سال گفت‌وگوی [خصوصی] با احمد شاملو ۲۳۴ برگ دارد که از چگونگی آشنایی نورالدین سالمی با احمد شاملو آغاز می‌شود و آخرین یادداشت آن در شام‌گاه یک‌شنبه ۷۹/۵/۱۲ نوشته شده است.

احمد شاملو در این گفت‌وگوها در پیوند به نیما یوشیج، صادق هدایت، حافظ، سعدی، نیچه، کافکا، فروغ فرخ‌زاده، به آذین، فریدون مشیری، سهراب سپهری، نجف دریابندری، سید محمد علی جمال زاده، احمد محمود، جلال آل احمد، داستایفسکی، اخوان ثالث، محمود دولت آبادی، سیمون دوبووار، ژان پل سارتر، محمد قاضی، هوشنگ گلشیری، رضا براهنی، اندره زید، هانریش بل، گارسیا لورکا، سیاوش کسرایی، غلام حسین ساعدی، عارف قزوینی، میلان کوندرا، ملک الشعرای بهار، مایاکوفسکی، بتهوون، پرویز ناتل خانلری، محمد علی اسلامی ندوشن، پرویز شاپور، ایرج میرزا، ذبیح الله منصوری، ابراهیم گلستان، صادق چوبک، گابریل گارسیا مارکز، فردوسی، مولوی و... ابراز نظر کرده است.

احمد شاملو شاعر، مترجم و پژوهش‌گر نام‌آشنای زبان فارسی در ۲۱ آذر/قوس ۱۳۰۴ در خیابان صنی علی‌شاه تهران متولد شد. پدرش حیدر نام داشت که تبار او به گفته احمد شاملو در شعر «من بامداد» سرانجام از مجموعه‌ی مدایح بی‌صله به اهالی کابل برمی‌گشت. مادرش کوکب عراقی شاملو، و از قفقازی‌هایی بود که انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ روسیه، خانواده‌اش را به ایران کوچانده بود. دوره کودکی را به خاطر شغل پدر که افسر ارتش بود و هر چند وقت را در جایی به مأموریت می‌رفت، در شهرهای چون رشت و سمیرم و اصفهان و آبد و شیراز گذراند. دوران دبستان را در شهرهای خاش، زاهدان و مشهد گذراند و از همان دوران اقدام به گردآوری مواد فرهنگ عامه کرد. دوره دبیرستان را در بیرجند، مشهد و تهران گذراند و سال سوم دبیرستان را در دبیرستان ایران‌شهر تهران خواند و به شوق آموختن دستور زبان آلمانی در سال اول دبیرستان صنعتی ثبت‌نام کرد.

شهرت اصلی شاملو به خاطر شعرهای او می‌باشد که شامل اشعار نو و برخی قالب‌های کهن نظیر قصیده و نیز ترانه‌های عامیانه است. به گفته پژوهش‌گران و منتقدان ادبی، شاملو تحت تأثیر نیما یوشیج، به شعر نو روی آورد، اما برای اولین بار در شعر «تا شکوفه سرخ یک پیراهن» که در سال ۱۳۲۹ با نام «شعر سفید غفران» منتشر شد وزن را رها کرد و به صورت پیشرو سبک جدیدی را در شعر معاصر فارسی گسترش داد. از این سبک به شعر سپید یا شعر متنور یا شعر شاملویی یاد کرده‌اند. بعضی از منتقدان ادبی او را تنها شاعر موفق در زمینه شعر متنور می‌دانند.

شاملو علاوه بر شعر، کارهای تحقیق و ترجمه شناخته شده‌ی دارد. مجموعه کتاب کوچک او بزرگترین اثر پژوهشی در باب فرهنگ عامیانه مردم ایران می‌باشد. آثار شاملو به زبان‌های: سوئدی، انگلیسی، جاپانی، فرانسوی، اسپانیایی، آلمانی، روسی، ارمنی، هلندی، رومانیایی، فنلاندی و ترکی ترجمه شده‌است.

احمد شاملو را سال‌های درازی بیماری شکر آزار می‌داد که با شدت گرفتن بیماریش، و پس از آن که در ۲۶ اردی‌بهشت/سنبله ۱۳۷۶، در بیمارستان ایران‌مهر پای راست او را از زانو قطع کردند، روزها و شب‌های دردناکی را پشت سر گذاشت و سرانجام، احمد شاملو در ساعت ۹ شب دوم مرداد/اسد ۱۳۷۹ درگذشت.

تصحیح دیوان حافظ یکی از کارهای معروف او است که آن را با عنوان حافظ شیراز منتشر کرد. این کتاب در نزد خواننده‌گان به حافظ شاملو مشهور است. در مقدمه این کتاب، شاملو روش تصحیح و اصول کار خود را بیان کرده‌است، به مشکلات و تحریف‌های موجود در دیوان حافظ اشاره کرده و در اینکه حافظ یک عارف مسلک بوده شک کرده و جایی می‌نویسد شاید زندگی یک لاقیا و ملحد بوده‌است.

این کتاب با عنوان «حافظ به روایت شاملو» در دهه شصت خورشیدی و از نشانی اتحادیه نویسنده‌گان افغانستان برای نخستین‌بار در افغانستان منتشر نیز شد.

گذشته از این‌ها، نشر زیرآب در کتاب‌های تازه‌یی که به نشر رسانده پیام‌های اجتماعی و بهداشتی را نیز به مشتریانش هدیه کرده که «زنده‌گی آب در دست ما و زنده‌گی ما در دست آب است؛ پس دست مصرف کنیم»، پیام ده سال گفت‌وگوی [خصوصی] با احمد شاملو می‌باشد.